

واړلیق

آیلق تورکجه و فارسجا فرهنگي نشریه
مجله ماهانه فرهنگي فارسي و ترکی آذری

۸- اینجی صایی- آذر ۱۳۵۸ - شماره ۸

قیمت ۷۰ ریال

ایچینده کیلر

(فهرست)

صفحه	
۳	۱- نکاتی چند در باره نحو ترکی: دکتر حمید نطقی
۱۹	۲- حکم و امثال در ترکی آذری و یا آتالار سۆزی و مثل لر: ت. پیرهاشمی
۲۲	۳- آذربایجان ادبیات تاریخینه برباخیش: دکتر جواد هیئت
۳۸	۴- دیدار با استاد شهریار (شهریار لاگوروشمه): پرفسور غ. بیگدلی
۴۱	۵- انعکاس انتشار مجله وارلیق در محافل خاورشناسی دانشگاهی آمریکا: پرفسور باش گوز
۴۳	۶- نسیمی دیلی: جهانگیر قهرمانوف-منظوری خامنه‌ای
۴۹	۷- ایکی کتاب (سازیمین سۆزی ونمونه‌های فولکلور آذربایجان): میرزا ابراهیم اوف
۵۷	۸- دده قورقوت کتابی نین چاپینا بیر انتقاد: عباس اشراقی (تبریز)
۶۱	۹- دده قورقوت قوت خوش کلمیسین: بهرام ائلچین (تبریز)
۶۵	۱۰- تالار رودکی ده آذربایجان کنسرتی
۶۶	۱۱- شعر دیار من: استاد حبیب ساهر

وارلیق

آیلیق تورکجه و فارسجا فرهنگی نشریه
مجله ماهانه فرهنگی فارسی و ترکی آذری

۸ اینجی صایه - آذر ۱۳۵۸ - شماره ۸

دکتر حمید نطقی

نکاتی چند در باره نحو ترکی

...گفت هیچ از نحو خواندی؟*

بهر آن که به شرط حفظ کشتی و فرا گرفتن شنا، برای درست و زیبا سخن گفتن اندکی نحو نیز بیاموزیم. امید است این مختصر چراغی-ولسوکم-سوفرا راه یاران باشد. این گفتار در بانزده عنوان عرضه می شود: ۱- موضوع نحو، ۲- جمله یا قضیه، ۳- ارکان قضیه، ۴- مبتدا یا فاعل، ۵- خبر، ۶- مطابقت فعل و فاعل، ۷- متعلقات و متممها، ۸- ظرف، ۹- حال، ۱۰- مفعول صریح، ۱۱- مفعول غیر صریح، ۱۲- ترتیب عناصر جمله، ۱۳- جمله مرتب، ۱۴- نکاتی در باره «که»، ۱۵- جمله واژگونه.

۱- موضوع نحو

موضوع نحو (سنتاکس) قضیه، یا جمله است. جمله از فراهم آمدن کلمات به وجود می آید و حاوی بیان حس، اندیشه، خواست، داوری و یا رویدادی است. جمله از نظر تعداد کلمات مشکله آن بسیار متنوع است. در این مثالها دقت فرمائید:

قاپی آچیلدی.

اوطاغین قاپیسی آچیلدی.

دانشمامیزین لاپ شبرین یثرینده اوطاغین قاپیسی آچیلدی.

دونن آخسام ادبیات موضوعوندا دانشمامیزین لاپ شیرین یثرینده اوطاغین قاپیسی

آچیلدی.

البته این جمله را از این هم درازتر می توان نوشت.

۲- جمله یا قضیه

جمله بایدگویای اندیشه یا حس و یا داوری گوینده باشد. اگر به علت کمبود کلمه

رو به کشتیان نمود آن خودپرست
گفت نیم عمر تو شد بر فنا
لیک آن دم گشت خاموش از جواب
گفت کشتیان بدان نحوی بلند
گفت نی از من تو سبحی مجو
زانکه کشتی غرق در گردابه است.
(مولوی)

* آن یکی نحوی به کشتی در نشست
گفت هیچ از نحو خواندی گفت لا
دل شکسته گشت کشتیان ز تاب
باد کشتی را به گردابی فکند
هیچ دانسی آشنا کردن بگو
گفت کل عمرت ای نحوی فناست

نامفهوم گردد البته عیب ناک است و وجود کلمات زاید نیز مغل فصاحت و روشنی کلام می گردد. گاهی استادان در کلامی اندک مطالب زیادی را می گنجانند:

- قارتالین بگه نمه دیگینی قارقالار قاپیشیر.

- ظالم گنه بیر ظلمه گرفتار اولور آخر.

البته اولور ائویخانین خانه سی ویران!

- یوکسلمه یین دوشر، یا ترقی یا انحطاط!

- سویاتار، دوشمن یاتماز.

- داغ داغا قاووشماز، انسان انسانا قاووشور.

۳- ارکان قضیه

ارکان قضیه یا جمله عبارت است از مسندالیه و مسند و متمم های آنها. در کتابها مسندالیه را مبتدا یا فاعل نیز گویند، مسند را خبر یا فعل هم می نامند.

۴- مبتدا یا فاعل

در چند مثال نشان داده می شود:

- قوش اوچار.

- مارالین قرده شی گلدی.

- بوگوژل یورد بیزیمدیر.

- میوه لر ایچریسینده، کالاری دا وار.

- من گلدیم.

- بورایا گیرمک یاساقدیر (قدغن دیر).

- بورجونوی زماننده وئرن اعتبار قازانیر.

۵- خبر

در مثالهای زیر انواع خبر را ملاحظه می فرمائید:

- منی جانان اوصانیدی جنادان یار اوصانمازمی؟

فلک لویباندی آهیمدان، مرادم شمعی یانمازمی؟

- تاریخی یازان منم، یارادان سیز!

- درد چوخ، همدرد یوخ، دشمن قوی، طالع زبون!

- عالم گنه او عالم، دوران گنه او دوران...

- ساعت ایگیرمی ایکی، یاتماق زمانی.

۶- مطابقت فعل و فاعل

از دو نظر قابل توجه است:

۱- از نظر مفرد و جمع بودن.

۲- از نظر شخص.

مفرد و جمع: در شخص اول مفرد:

الف- اگر بنام گروه و همانند آن صحبت می کنیم می توان به جای مفرد جمع آورد:

بیررگنج صاحب منصب یاخینلاشدی واونای «آقا عناد ائتمه؛ بیزده لجاجت ایله ریک»

دندی. در این جمله افسر جوان جمع به کار برده، زیرا به نمایندگی از طرف گروهی

سخن می گفته است

ب- اگر مقصود رجز خوانی و اظهار قدرت و عظمت باشد، جمع به کار می رود:

«بیز آدمای پریشان ایله ریک، بیز بئله شیلردن قورخماریق.»

ج- برای اظهار فروتنی هم لفظ جمع به کار می برند: ایندی سیزه عرض ایلمه میز

لازمیدیر که...

د- نویسندگان و مؤلفین نیز جمع استعمال میکنند: بو نقطه نین اوزرینده بیر آز

دوراجاغیق...

دوم شخص مفرد:

برای ادای احترام؛ هم ضمیر و هم فعل به صورت جمع به کار برده می شود:

سبز بیلیر سینیز، بویورون.

سوم شخص مفرد:

الف- برای ادای احترام به جای مفرد جمع به کار می برند:

رئیس جنابلاری گئتدیلر.

ب- در مورد اعضای بدن و متعلقات آن به جای جمع، مفرد استعمال می شود:

آیاقلاریم آغریر.

صاچلارینیز آغاردی.

گوزلریندن یاشلار آخیر.

ج- در مورد اسم فعل مفرد به کاری می رود:

کوچه ده باغیریشمالار آرتدی.

های- کوی لر دوام ایذیر.

صرف ائتدیگی سعی لر حیف اولدی.

افتخارلار بعضی پهران ساعتلرینده اولور.

ج- در مورد مجاورت اجزا با کل آن مفرد به کار می رود:

کتابین صفحه لری ینیر تیلیمیش.

آغاچین بوداغلاری ترپه شیر.

گمی نین یلکن لری آچیلدی.

د- در مورد غیر ذی روح، وقتی که نخواهیم به افراد آن یکایک توجه کنیم، مفرد

به کار می رود:

- سولارمی یاندی؟ نهدن تونجه (مفرغه) بنزییر مرمز؟

- گوزلریمین اؤنونه اوچوروملار گوردندی.

ه- در مورد نباتات و حیوانات نیز در صورتی به که یکایک افراد آن توجه نباشد مفرد

به کار می رود:

- صباح ياشىل يارباقچاق، او بيرگون ده رنكلی يمشلر بوداقلاری بزه يه جك.
- الماللار قيزاردی.

و- اجزای زمان در صورت تعدد نیز با فعل مفرد بیان می‌شود:
- دقیقه‌لر، ساعتلر، بیر-بیرینی تعقیب ائدی.
- آرادان گونلر، آیالار ایملر کچدی.
- گنجه‌لر گوندوز اولدی.

ز- اسامی گروهها و جماعات در صورتی که با «لر» نیاید فعل مفرد می‌گیرد:
- قشون یتریندن اوینادی.

- ملت آیاغا قالمادی، عصیان ائدی.

- جمعیت ایکی یه آیریلدی.

ح- فاعل اگر بوسیله اعداد مشخص شود فعل اکثراً مفرد می‌آید:

- یانیمدان ایکی کیشی کچدی.

ط- صفات غیر معین که مفید معنی کمیت است اغلب با فعل مفرد می‌آید:

- نجه نفر دالیمادوشدی.

- بونی چوخ آداملار بیلیر.

ی- افعال «وار» و «یوخ» اغلب به صورت مفرد می‌آید:

- اوردا بیر نجه ناخوش وار.

- اونلارین ایشلری یوخ.

ل- در مورد انسانها، آوردن فعل مفرد یا جمع با نظر نویسنده است:

بدین معنی که اگر در جمعی توجه به یک یا افراد نباشد فعل، مفرد می‌آید:

- اسپانیادا ایشچیلر ایشدن ال چکیب.

- سربازلار بیر شهبه‌لر اتوموبیله آتش آچدی.

- معلملر بیر جمعیت تشکیل ائدیر.

اگر توجه به افراد است، فعل جمع می‌آید:

- ایندی گنج طلبه‌لر گوله-دانیشا گلیرلر.

این حکم در مورد اشیاء و نباتات و حیوانات نیز صادق است.

مطابقت از نظر شخص:

الف- اگر فاعل تنها يك شخص است مطابقت فعل با آن لازم است:

- من گلدییم، سن یازا جاقسان، او گئندی، بیز گئدک، سیز گولونوز، اونلار

دوشونسونلر.

ب- فاعل اگر شخص دوم و شخص سوم باشد، فعل به صورت جمع شخص دوم

می‌آید:

اژدرله سن بوگون درس چالیشا جاقسینیز.

ج- اگر فاعل شخص اول و سوم است و یا شخص اول و دوم است و یا شخص اول و دوم و سوم است در هر سه حال فعل جمع شخص اول می آید:

- اژدرله من صاباح تبریزه گنده جگیک.

- من، سن یوخوق، بیز واریق!

- لاپ یاخشی یادیمدا دیر، او گنجه من، سن، اژدر سینمایا گتدیك.

د- میان ضمیر و فعل اگر کلماتی به عنوان توضیح و تشریح نیز قرار گیرد مطابقت ضمیر و فعل لازم است:

- بیز یا شلیلار بئله فیکیرله شیریک، سیز گنجلرده بیز گون بئله فیکیرله شه جکسیئیز.

ه- کلمات «بعضی» و «کیمیسی» سبب می شود که فعل با شخص سوم نیز بیاید:

- هر کسین اوست- باشی ئوز گه شکیلده ایدی. بعضیمیز دولاق دولامیشدی، بعضی

لریمیز چاریق گتیمیشدی...

۷- متعلقات و متممها

پس از بررسی کوتاه ارکان اساسی جمله، یعنی فاعل و فعل یا مبتدا و خبر اینک نوبت اشاره به متعلقات و متممها فرارسیده است. این عناصر به ترتیبی که ما به آنها خواهیم پرداخت از این قرار است:

- ظرف.

- حال، و در ضمن، آنچه دستور نویسان ترکی سابقاً بدان «تمیز» می گفتند.

- مفعول غیر صریح.

- مفعول صریح.

۸- ظرف

ظرف گاهی بسیط است (یک کلمه) و گاهی مرکب (چند کلمه).

انواع ظرف: ۱- آنچه دلالت بر مکان کند: آشغی، یوخاری، ایچیری، ائشیک،

بری، ایره لی، گئری، اوزاق، یاخین و امثال آن.

۲- آنچه دلالت بر زمان کند: ایندی، صاباح، دونن، سحر، آخشام، اول، صونرا،

اثرکن، گنچ، بعضاً، دایما و غیره و نیز: بوگون، اوگون، بو آخشام، گنچن ایل، آراسیرا،

آرادا بیر، بوندان صونرا، هئچ بیر زمان و غیره.

۳- آنچه دلالت بر مقدار کند: چوخ، آز، داها، آرتیق، لاپ، هی... او قدر، اولدو قجا،

بیر مقدار...

۴- آنچه دلالت بر تصدیق یا شبهه کند: البته، احتمال، یا و غیره.

۵- آنچه دلالت بر نفی و سلب کند: یوخ، خیر، هئچ، دگیل، ملامه-مازم-مزو غیره.

۶- آنچه دلالت به استفهام فعل یا صفت کند: می، ها، نئجه، آیب، عجبا، نه قدر،

نه ایچون...

۷- آنچه دلالت بر حال و طرز بیان کند: بئله، ائله، کذلك، داخی، ده، حتی، اودرجه، یاخشی، پیس، یاواش، بیردن، بیردن بیره... پاریل-پاریل، خاریل-خاریل... نیز بر اینها بیفزائیم: کلمات عربی منون مفتوح در هنگام تعلق به فعل: صراحتاً، حقیقتاً... اعداد ترتیبی مونث عربی در صورت تعلق به فعل: اولاً یا، ثانیاً و نحو، ثالثاً درسی از برله. صفات نیز در صورت تعلق به فعل ظرف به شمار می آید: صونا گوزل گورسه نیر. پسوند (جه) در پایان صفات، حال یا ظرف می گردد: «علی آشیننی قارین قولوجا ایچیر». کلمات مختوم به «انه» در فارسی نیز اغلب حال بشمار می آیند. بجای ظرف، از مفعول صریح وادات می توان استفاده کرد، مثلاً به جای صریحاً می توان گفت «صراحتله»، به جای «واضحاً» می توان گفت «وضوح ایله»، و به جای «شیرانه»، «اصلان کیمی».

۹- حال

۱- می تواند صفت باشد: احمد یورغون گلدی (حال فاعل را نشان می دهد).
تردشینیزی دالغین گوردوم (حال مفعول صریح را نشان می دهد).
۲- می تواند صفت مکرر باشد: حسن یاواش یاواش ایشلیر.
۳- می تواند از اعداد توزیعی باشد: سربازلار دورد-دورد گئدیرلر.
۴- می تواند اسم جمع مکرر باشد: معلم شاگردلری دسته دسته آپاردی.
همانگونه که گذشت صفات عربی مفتوح و منون نیز حال بشمار می تواند بیاید: «سالمآ تبریزه یتیشدیک» سالمآ حال فاعل را نشان می دهد و معنی اش «سالم اولاراق» است. مادام که دامنه سخن بدینجا کشید متذکر می شویم که یکی دیگر از متممات جمله در ترکی «تمیز» است. و آن متممی است شبیه به مفعول غیر صریح و اغلب با پسوند «جه» به وجود می آید: «احمد، اخلاقجا، یولداشلارینا اوستوندور». اگر گفته می شد: «احمد یولداشلارینا اوستوندور» معلوم نبود از چه جهت احمد برتر از دیگران است. کلمه «اخلاقجا» نشان می دهد که «از نظر اخلاق».

۱۰- مفعول صریح

مفعول صریح گاهی با (ی-یی-نی) به فعل تعلق می گیرد:

- پیشیک کتابی بیرتدی.

- قاپی نی آچدیم.

- سوای ایچدیم.

- باغ آپسینی کیم آچدی؟

و گاهی بدون ادات این تعلق به وجود می آید:

- کتاب او خودوم.

- چورهک یتدیم.

علامت مفعولی مشخص کننده معرفه است. اگر مفعول از این ادات خالی باشد نکره است.

- احمدی گوردوم. (احمد علم است پس معرفه است و علامت مفعولی که نشانه معرفه است می گیرد).

- سیزی شودیم (ضمیر شخصی و معرفه بنابراین ادات می پذیرد).

- بونی تصدیق ای دینیز (ضمیر اشاره، معرفه، با ادات).

- درسینیزی از بهله دینیزی؟ (مضاف به ضمیر شخصی، معرفه با ادات).

- بو انسانی طانیر دینیزی؟ (مشار، معرفه، با ادات).

- بوتون دنیانی گزدیم. (کلی متضمن اثبات، معرفه).

- چوره ک یئدیم. (نکره، بدون ادات).

- بیر اصلان گوردوم (با وجود «بیر» نکره، غیر معین، بدون ادات).

- بیر نتیجه کتاب ساتین آلدیم. (غیر معین، نکره، بدون ادات).

- چوخ مملکتلر گزدیم. (غیر معین، نکره، بدون ادات).

تبصره- (کیم) همیشه ادات مفعول صریح می گیرد:

- کیمی گوردونوز؟

(نه) اغلب این ادات را نمی گیرد:

- نه گوردونوز؟

لکن وقتی که همراه فعل نیست ادات می پذیرد:

- نهیی؟

شناختن متمم مفعول صریح معرفه

برای تعیین این متمم کافی است که سئوالات «چه کسی را»، «چه چیزی را»، «چه جائی را»، «به چه کسی»، «به چه چیزی»، «به چه جائی» را در ابتدای فعل بگذاریم، هر چه بر این سئوالات جواب بدهد مفعول معرفه و صریح است.

شناختن مفعول غیر معین (نکره) صریح

در جواب سئوالات «چه چیز» (نه و نه لر) قرار می گیرد.

در امثله زیر متمم های صریح (معرفه و نکره) درشت تر نوشته شده است :

- سته دار گلنده جک مقبری کیملر قازسین؟

- فیرطینلار قوپارکن گتده سیر ائت دفیزی.

گؤیلری بیر دئوکیمی دولدورور اینیلتی سی.

- یوسف کتابی آلدی (کتاب مشخص و معین را).

- یوسف کتاب آلدی (هر کتابی را، غیر معین).

در افعال متعدی متممهایی از ریشه خود افعال می توان یافت :

یازی یازماق، تیکیش تیکمک...

متممهای متعدد باید از يك جنس باشد، مثال:

- اصلانین بیزه تئز-تئز گلدیگینی و گونلرجه قالماسینی ایستهرم. غلط است، زیرا «گلدیگینی» و «قالماسینی» یکسان نیست. صورت صحیح آن چنین است: اصلانین بیزه تئز-تئز گلمهسینی و گونلرجه قالماسینی ایستهرم.

توضیحاتی که مربوط به متمم است در ترکی قبل از خود متمم می آید:

- اوخوماغی، یازماغی، گوزل اثرلر یاراتماغی؛ ایلرلر بویی بونلاری فیکیرلشدی.

۱۱- مفعول غیر صریح

ساده تر، آن است که بگوئیم که مفعول غیر صریح آنست که با اداتی جز (ی) به فعل تعلق یابد. در این باب هشت گونه ادات ذکر شده است:

۱- ادات (ه، یه)

الف- نمایاننده توجه به جهتی و یا حرکت:

- انویمه گئدیرم، قابلويا باخیرام.

ب- انتها را می رساند:

- بوردان تبریزه آلتی ساعتدا گئدیلیر.

ج- تقرب را می رساند:

- قوجاق-قوجاغه.

د- بها را می رساند:

- شکرین قیمتی اوچ تومنه دیر.

همراه این ادات کلماتی را به کار می برند که جمعاً «ادات مرکب» را تشکیل می دهد از این کلمات مثالهایی می آوریم: دایر (تعلق)، قارشی (مقابله)، گلینجه (جلب دقت و تجرید)، قدر (انتها) و غیره. در کتب قدیم این مفعول را «مفعول الیه» می گفتند.

۲- ادات (ده)

افاده معنی ظرفیت می کند:

- هفته ده یئدی گون وار.

- بوندا بیر ایش وار.

- منده پول یوخ.

به اسم معنی و یا مصدر می پیوندد:

- بئله چالیشماقدا دوام ائدینیز.

- وظیفه لرینیزی ایقادا قصور ائتمهیین.

ترکیب «حقیقنده» به معنی «ه دایر» است:

- «مکتب حقیقنده دانشدیق» که به معنی:

- «مکتبه دایر دانشدیق» است.

در کتب قدیم این مفعول را «مفعول فیه» می‌نامیدند.

۳- ادات (دن)

ابتدا را نشان می‌دهد:

- اودن گلیرم.

جهت را می‌رساند:

- یاندان آلدیغینیز عکس چوخ کوزلدر.

مقایسه را می‌رساند:

- احمد، حسندن چالیشقاندر.

سبب را می‌رساند:

- گونشدن اوزونوز یا نمیش.

منشاء را می‌رساند:

- بو بیله زیک قیزیلدان سر.

مقارنت را می‌رساند:

- یو آغیزدان باغیریشدیلار.

باترکیب با یک کلمه دیگر این ادات به صورت مرکب درمی‌آید: دن ناشی، دن دولایی (علت)، دن ایسه (مقایسه)، دن بری (ابتدا)، دن باشقا، دن مساعد، دن غیر (استثنا)، دن صورنا (تأخر)، دن قاباق (تقدم) و امثال آن.

تبصره- اگر «اول»، «قاباق»، «صورنا» به عنوان ظرف استعمال شود و با اسمی که دلالت بر زمان داشته باشد همراه گردد نیازی به آوردن (دن) نخواهد بود:
- ایکی ساعت قاباق، ایکی گون صورنا.

لکن اگر قصد از (اول) به معنی «مقدم بر» باشد آوردن (دن) لازم است: ایکی هفته دن اول کوچه یه چیخانماز.

در کتب قدیم این مفعول «مفعول عنه» و یا «مفعول منه» نامیده می‌شد.

تبصره- به مقتضای سبک از این ادات در موارد دیگر نیز استفاده می‌شود، مثال:

- مندن گیزلتمه یین.

- بنده نی بوخدمتدن عفو بو یورونوز.

۴- ادات (ایله، له)

اختصار این ادات معمولاً بعد از مصوتات، و هنگامی که کلمه ماقبل آن مختوم به دوساکن و حرف (ی) باشد انجام نمی‌گیرد.

مثال: جهدایله (جهدله)، وجه ایله (وجهله)، صفا ایله (صفا لا) که البته آنچه که در بین الهالین نوشته شده معمول نیست:

این ادات مصاحبت را می‌رساند:

- قارداشیملا گلدیم.

واسطه را نشان می‌دهد:

- مدادی پپچاقلا یونتادیم.

مقارنت را می‌رساند:

- جساوتله چالیشمالی.

سبب را می‌رساند:

- او قورخی ایله اوزومده رنگ قالمامیشدی. با این ادات، ادات مرکب دیگر نیز

ساخته شده است:

جهتله، سببله (سبب)، واسطه‌سیله (وساطت)، وجه‌ایله (طرز)، له‌برابر (مصاحبت

و مقارنت)، له‌برابر (مباینت) و غیره*.

در کتب قدیم به این مفعول «مفعول‌معه» می‌گفتند.

۵- ادات (ایچون)

تخصیص را می‌رساند:

- اوغلوم ایچون بو قلمی آلدیم.

قصد را می‌رساند:

- چالیشماق ایچون بو میزی آلدیم.

در کتب قدیم به این مفعول «مفعول‌الیه» می‌گفتند.

۶- ادات (اوزره)

قصد را می‌رساند:

- ائوینی صاتماق اوزره اردبیله گتتدی.

شرط را می‌رساند:

- صاباح تئزگلمک اوزره‌سیزه اجازه ویریرم.

استعلاء را نشان می‌دهد:

- امرینیز باشیم اوزره.

مقارنت را می‌رساند:

- بو منوال اوزره، اکثریت اوزره.

در کتب قدیم به این مفعول «مفعول‌علیه» می‌گفتند.

تبصره- به معنی استعلاء به صورت «اوزرینه» می‌بینیم: دیوار اوزرینه چیخمایین.

* (ایله) را به صورت (ایلن) نیز می‌بینیم، به جای «آتاسی‌ایله» «آتاسی‌ایلن» که در

زبان محاوره تبدیل به «آتاسی‌ایتن» یا «آتاسینان» می‌شود.

درمثال: «آناسینین گئتمه سی اوزرینه هوائی لبگه باشلادی» به معنی (به دنبال) کلمه اوزرینه به کار می رود.

۷- ادات (سبز)

به معنی سلب و افتراق:
- چۆره گی پیچاقسبز کسدیم.

۸- ادات (کیمی)

تشبیه را می رساند:
- سیزی آتام کیمی سهویرم.
آزاین جمله، سه حال یعنی «مفعول الیه»، «مفعول فیه» و «مفعول عنه» (گونه های اول و دوم و سوم) در بحث ما جای بخصوصی دارد که اندکی درباره آن سه بررسی خود را با امثلهای بیشتر ادامه می دهیم.
امثالی چند درباره حالاتی از مفعول غیر صریح: نامهای دیگری که به این حالات داده اند به ترتیب، حالت گرایش (یؤنلوك-داتیف)، زمانی و مکانی (یئرلیك-لوکاتیف) و انفکاک (اوزاقلاشما-آبلا تیف) است، یعنی ادات (میه) و (دهدا) و (دن-دان). با چند مثال بحث را دنبال می کنیم:

حالت گرایش (یؤنلوك-داتیف)؛ مثال:

- بیراز یوموشاق و قیویرجیق (مجعد) ، سیاه صاچلاری، اعتناء ایله ئورتدوگی محکم سیاه باش ئورتوسونون آلتیندا شقیقه لرینه، پی سونیه، آچیلیر، یا ناقلا رینه و بوینونا تۆ کولوردی.

- صونا دنیزه گیردی. طوطی مکتبه گئدیر. سیزه سؤیلورم.

- شن آدام گونشه بنزر، گیردیگی یئر آیدینلانیر.

حالت زمانی و مکانی (یئرلیك-لوکاتیف): مثال:

- نیساندا اهره گیده جکیم. بایرامدا سیزی گؤزلورم.

- بیر جانلی ایزین وارسا یئر اوستونده، سبلینمز.

- پئوینده بیر جواب.

- اللی سینده قادین، اون سگیزینده برگنج قیز کیمی گیننمیشدی.

- آختارماقدا دیرلار.

حالت انفکاک (اوزاقلاشما-آبلا تیف): مثالها:

- هامیسینده ان قاباق؛ بوندان صونرا؛ سیزدن؛ یاشلی؛ قاپی دان ایچری...

- گلن لردن بیر.

- دوندن بری؛ اوندان اؤتوری.
- دمیریول ایشچیلریندن بعضیسی.
- اوزاقدان اوزاغا.
- دوغرودان داگؤزل بیر اثر دیر.
- اونی اسکیدن تانیرام.
- یالاندان دئدی.
- زیانیمیز هم جاندان و هم مالدان دیر.

۱۲- ترکیب عناصر جمله

اکنون به‌بینیم کلمات را در جمله باید به‌چه ترتیبی در کنار هم چید. در این باب دو گونه رفتار می‌شود: ۱- در زبان فرهنگ و ادب ۲- در مکالمات روزمره . مقصود از زبان ادبی، زبانی است که مثلاً مورد استعمال دانشمندی که در ضمن سخنرانی اندیشه‌های خود را بیان می‌کند، می‌باشد؛ یا بدانگونه که معلم با آن درس می‌دهد و یا شاگرد پاسخ می‌گوید، یعنی زبانی که برای ادای مقصود در آن دقتی و کوششی به‌کار می‌رود یعنی: بیان زیبا، بیان دقیق، بیان علمی و بیان سنجیده و صحیح؛ این زبان نیز بر حسب مقام و شرایط سخن تنوع می‌یابد: مانند کنفرانس، مقاله، داستان، نمایشنامه، متون کتابهای علمی و سیاسی و اجتماعی و غیره و بالاخره شیوه بیان رسمی در ادارات دولتی. بهترین صورت بیان آنست که به آسانی و درستی اندیشه گوینده یا نویسنده را بنمایاند. فرق عمده زبان ادبی و محاوره علاوه بر دقت در انتخاب کلمات در چیده شدن آنها در کنار هم (برای تشکیل جمله) است.

حال برمی‌گردیم به موضوع و به انواع جمله بندی در ترکی می‌پردازیم: جملات ترکی دو نوع است: ۱- جملات مرتب. ۲- جملات واژگونه.

۱۳- جمله مرتب

قاعده اساسی در چیدن کلمات اینست: کلمات متمم پیش از کلمه اصلی و همچنین کلمات تغییر دهنده پیش از کلمه اصلی که هدف این تغییرات است می‌آید. مثلاً همیشه صفت قبل از موصوف می‌آید و قس علیهذا.

جی.ال.لویس در دستور خود اجزای جمله را به ترتیب چنین می‌شمارد:

- ۱- فاعل ۲- کلمه مشعر بر زمان ۳- کلمه مشعر بر مکان ۴- مفعول غیر صریح
 - ۵- مفعول صریح ۶- قید و هر کلمه‌ای که معنی فعل را تغییر دهد ۷- فعل.
- اگر کلمه یا کلماتی هر کدام از این عناصر را کاملتر و تمامتر کند بلافاصله قبل از آن عنصر قرار می‌گیرد. هر چیز معین بر غیر معین مقدم است. بدینگونه اگر مفعول غیر مستقیم غیر معین و مفعول صریح معین و مشخص باشد. عنصر (۴) و (۵) جای خود را عوض می‌کنند:

مثال: «اوشاغا ناغیلی دئدی» تبدیل می‌شود به «ناغیلی بیر اوشاغا دئدی» .
مثالی که با قاعده فوق‌الذکر منطبق باشد چنین خواهد بود:

۱- صنعتکار ۲- گنچن هفته ۳- موزه ده ۴- گلن لره ۵- تابلولارینی
۶- ایکنجی دفعه ایچون ۷- گؤستردی.

اما اگر هنرمند تابلوهای خود را به جای تماشایان به روزنامه‌نگار منتقد (که مشخص‌تر از تماشایان است) نشان می‌داد عنصر (۵) قبل از (۴) می‌آمد، بدینگونه:
صنعتکار گنچن هفته موزدهده تابلولارینی بیر منقده ایکنجی دفعه ایچون گؤستردی.

قاعده اصلی دیگر نزدیک کردن هر عنصری که پیش از همه بدان اهمیت می‌دهیم به فعل است. در مثال فوق اگر تأکید روی اینست که هنرمند خود، بشخصه، تابلوها را به مردم نشان داد جمله چنین می‌شود:

گنچن هفته موزدهده گلن لره تابلولارینی ایکنجی دفعه ایچون صنعتکار گؤستردی .
و پیدا است که در مثال اصلی خواه ناخواه قید «برای دومین بار» بیشتر از سایر عناصر بچشم می‌خورد، به دلیل این که بلافاصله قبل از فعل قرار گرفته است.

در صورت آوردن علامت سؤال «می»، در جملات استفهامی، این علامت بدنبال مهمترین عنصر سئوالی، عنصری که مورد استفهام است می‌آید.

مثال: «اولدوز دونن مکتبده صولمازی آختاردی.»

جمله فوق را برحسب آن که پرسنده کدام یک از عناصر آن را مهمتر می‌شمارد، به صورت سئوالی می‌آوریم و در مقابل هر جمله سئوالی جواب درخور آن را می‌نویسیم:
- اولدوزمی آختاردی؟

دونن مکتبده صولمازی اولدوز آختاردی.

- دوننمی آختاردی؟

اولدوز مکتبده صولمازی دونن آختاردی.

- مکتبده می آختاردی؟

اولدوز دونن صولمازی مکتبده آختاردی.

- صولمازی می آختاردی؟

اولدوز دونن مکتبده صولمازی آختاردی.

قاعده را تکراری کنیم:

در جملات مرتب مهمترین کلمات بلافاصله قبل از فعل قرار می‌گیرد.

اگر مفعول غیر معین باشد چسبیده به فعل می‌آید:

آلماس دونن شیشه سیندیردی.

لکن اگر بعد از مفعول «ده» بیاید میان آن و فعل می‌تواند فاصله بیفتد:

بیر کۆینک اۆزومه بیر کۆینکده مارالا آلدیم.

۱۴- نکاتی در باره «که»

زبان ترکی در طی حوادث تاریخی با جریانهائی که با ساخت آن موافق نبوده و روبرو و از آنها متأثر شده است. بسیاری از غلطها که با آن ما مواجه می شویم، از این رهگذر به زبان و قلم ناآگاهان راه یافته است. مشابه این وضع در تاریخ زبانهای دیگر نیز بوده و هست. همواره در برابر این تأثیرات اشخاص مطلع و آگاه به مبارزه برمی خیزند و به رفع اشتباهاتی که از این ممر به زبان راه می یابد می پردازند. از اینجاست لزوم مبارزه با غلطهای فاحشی که به تقلید از عربی، روسی، فارسی و شیوه عثمانی و امثال آن به وجود می آید. در اینجا در باره یکی از این غلطها، به علت شیوع آن، مفصلتر صحبت می کنیم: مقصود، کاربرد «که» است که استعمال آن به عنوان فاعل درست نیست.

دوون، آدام که گلدی آتامدیر. این جمله غلط است باید گفت: دوون گن آدام آتامدیر. دوون منظره که اونی گوردوک... غلط است، باید گفت: دوون گوردو گو موز منظره... ایستیرم که گله سینیز غلط است باید گفت: گلمه گینیزی ایستیرم.

«بودیر اودولاب که ایچنده بالتارلارینیز وار» غلط است باید گفت «ایچینده بالتارلارینیز اولان دولاب بودور».

«بو دیلنچی که اونا پول وئردین» غلط است، باید گفت: «پول وئردیگین دیلنچی».

«بو او دور که اونی قبول ائتدیم» غلط است «بو قبول ائتدیگیمدر» صحیح است. خلاصه اینکه «که» نه به عنوان فاعل و نه به عنوان متمم در جملات صحیح ترکی راه ندارد و به جای آن از امکانات وسیع افعال در این زبان باید استفاده کرد. مثلاً افعال صفتی (صفت فعلر) کار متمم را به عهده دارند. تصریف این افعال با پسوندهای دیک، هجک، است. دوشکل ساده آن؛ در زمان حال: سهودیگیم، (آن که، یا آن چه که دوست دارم). در مثال: یئدیگیم یئمک (غذائی که من خورده ام)، اوتودروغونوز شهر (شهری که در آن ساکن هستید)، گوروشدو کلری یئر (جائی که همدیگر را ملاقات کرده بودند)، گیرالادیغی ائوی گوردوم (خانه ای که کرایه کرده است دیدم) یا وئردیگین جوابی بگه نمه دیدم (جوابی را که داده ای نپسندیدم). دیگری زمان آینده: سهوه جگین (آن که را یا آنچه را دوست خواهی داشت). مثال: مینه جگیم آت (اسبی که سوارش خواهم شد). گنده جگیم یئر بللی دگیلدیر (جائی که خواهم رفت معلوم نیست).

۱۵- جمله واژگونه

هر جمله که با خبر ختم نشود واژگونه است. در ترکی با این نوع جملات در موارد

زیر روبرو می شویم:

۱- در محاورات.

آتالار سۆزی و مثل لر

(حکم و امثال)

«آتالار سۆزی» یا حکم (حکمت‌ها) جمله یا عبارت کوتاهی است که يك مسئله اجتماعی را بیان میکند مانند: (بیرلیک هاردا، دیرلیک اورددا) یعنی هر جا اتحاد و یگانگی هست زندگی آنجاست. جمله و عبارت را از این جهت بکار می‌بریم که بعضی از اینها فقط يك جمله است مانند: (آختاران تاپار) جوینده یا پنده است و بعضی‌ها دو یا چند جمله میباشند که عبارتی را تشکیل میدهند مانند: (چۆره گون وار ایشون ایشدور، یوخسا، چورهك سنه ایشدور.) اگر نان داری کارت رو براه است، وگرنه؛ مسئله نان برای تو کاری است در هر حال بکوتاه‌ترین و ساده‌ترین وجه مطلب را ادا میکند. بعضی از این عبارات بقدری پرمعنی است که میتوان کتابی در توضیح و تشریح آن نوشت. ترکی آذری بطور حیرت‌انگیزی از این لحاظ غنی است.

گاهی (آتالار سۆزی) با (مثل) اشتباه می‌شود و بعضی مثل را بجای (آتالار سۆزی) میگیرند در صورتیکه این دو کاملاً متفاوت و منفک است. (آتالار سۆزی) عبارتی است حکمت‌آمیز که چندین نسل در طول قرون آزموده و تجربه کرده و نتیجه تجارب خود را در يك عبارت فشرده مختصر و مفید بیان کرده است و این قبیل عبارت را در فارسی حکم (حکمت‌ها) نامیده‌اند مانند: (عقل باشدا اولار، یاشدا اولماز) که در فارسی بصورت (بزرگی بعقل است نه بسال) آمده است. اما مثل با (آتالار سۆزی) تفاوت کلی دارد. مثل بصورت روشن کردن يك حادثه، وپیش‌آمد در نظر شنونده بکار میرود. مانند: (یاغیشدان چیخدوق یاغمورادوشدوك) یعنی از باران درآمدیم و به باران همراه باد افتادیم که این حالت در فارسی (از چاله بچاله) تعبیر می‌شود. گوینده با بکار بردن این مثل میخواهد بشنونده القاء کند که: خواستیم از يك مشکل رها شویم بمشکل بزرگتری گرفتار شدیم و در حقیقت مثل يك حادثه و يك سمبول از پیش شناخته شده از طرف اکثریت است که ما بمنظور تبیین و توضیح مطلب حادثه را به آن مانند (تشبیه) میکنیم و شاید علت تسمیه این سمبول به مثل همین امر باشد یعنی شبیه آوردن و مصداق آوردن برای درک بهتر موضوع.

برای اینکه مثل را کاملاً بشناسیم نمونه دیگری می‌آوریم: وقتی کسی برای انجام کاری عذری می‌آورد که ناشی از تنبلی اوست گوئیم: (تنبله دئدیله قاپونی ئورت، دئدی یئل اسرئورتر.) به تنبیل گفتند در را ببند گفت باد می‌بندد.

ویا هنگامی که شخصی دنبال کاری می‌رود که اصولاً امکانش متصور نیست می‌گوئیم: (بیتمه مش یوشان) (علف سفید معطر) (دیبینده دوغولما میش دوشان بالاسی آختاریر). در حقیقت مثل چراغی است که در محیطی تاریک روشن می‌شود و اطراف را قابل رؤیت مینماید.

ولی (آتالار سؤزی) عبارت کوتاه ویا کلمات قصاری است که میتواند سرمشق زندگی انسان باشد بتعبیر دیگر چراغی است که سراسر راه زندگی انسان را روشن میکند.

حالا به چند نمونه از این مطلب اشاره میکنیم تا معلوم شود چگونه این سخنان میتواند سرمشق و هادی انسان در طریق زندگی اجتماعی باشد: در مورد کم گوئی آمده است: (آزسؤیله، چوخ دینله) یعنی کم بگو، زیاد بشنو. (دانیشماق گوموشد نسه قولاق آسماق قزیلدان دیر). حرف زدن اگر نقره باشد گوش دادن طلاست.

در دادوستد، کار و مزد و این قبیل چیزها بهتر است مزد و بها از پیش روشن شود و بلعاط رودرواسی و غیره نباید این قسمت مبهم و نامعین بماند و در سفارش این مطلب گویند: (نورتولی بازار، دوستلوغی پوزار). و در تعلیم و تربیت جوانان توصیه میشود: (ایکیده اوچ باجاریق گرهک: آچوب اوخوماق، اوزوب کچمک، آتوب وورماق). جوان را سه هنر باید: باز کردن و خواندن یعنی سواد و شنا کردن و گذشتن و انداختن و زدن یعنی تیراندازی. در مسائل زناشویی گویند: (ار آتانی، ائل آتار) زنی که شوهرش را کنار بگذارد مردم او را کنار میگذارند. و یا: (ار اییک سایی دور دوگون دوشسه آچیلماز). شوهر نخ ابریشمی است اگر گره بخورد باز نمی‌شود.

حالا برای اینکه خوانندگان عزیز مثل و (آتالار سؤزی) را مقایسه کنند چند نمونه می‌آوریم:

آتالار سؤزی

کوز کییه^۱ باخان نوز که نی کورمز

وئرن ال آلان الین اوستونده دور

کنچمه نامرد کؤرپوسیندن قوی آپارسین سئل سنی

سارالاسارالا یاشاماقدانسا قیزاراقیزارائولمک یاخشیدور .

مثل لر

آشنا-آشنا چیخدی او جاق باشینا

آران^۲ دا خرمادان اولدی یایلاقدا بوغدا دان

آدا^۳ دا قورد آز ایدی بیریده گمیلن گلدی

سکسان^۴، دو قسان ببرگون یوخسان

جمله زیبایی را برای خوانندگان گرامی می‌آوریم تا مطالعه و تعیین کنند که (مثل)

۲- در آفرینش هنری به عنوان تجدد در سبك.

۳- در كلام منظوم.

در صحبت و محاورات: اندیشه‌ها در ذهن شكل می‌پذیرد، و اگر نظام نحوی زبان در بیان آن نتواند ملحوظ شود اجزای كلام بیش از آنکه تابع اصول كلام باشد تابع پویائی اندیشه‌ها خواهد گشت. چنانکه در موارد فوری که مجال اندیشه نیست كلام فارغ از اصول نحوی به زبان می‌آید و نیز چنین است در هنگام غلبه احساسات که توجه به چنین دقایق نمی‌توان داشت.

مثال: قاچین! آشاهی قاپیدان!

مثال دیگر: چوخ جواندی یازیق اوشاق،

اجل نئجه قییدی اونا؟

در آفرینش آثار هنری

در آثاری که خواسته می‌شود زندگی با نیرو و تازگی و تندی آن منعکس گردد، از آوردن جملات واژگون گریز نیست.

مثال:

... دیوینجا اوزونه باخمادیغیم خانیم ایگیت قاندا گئتدین منی یالنیزیبیر اخیب ...

(دده قورقود)

... بیر ویرانجا حصار واردیر باغلار آراسیندا.

(عاشق پاشازاده تاریخی - ۱۵)

... آلهی موجود سان مکانسیز، دایم سن زمانسیز!

(سنان پاشا)

نویسندگان از جملات واژگونه به عنوان نشانه گرایش به مردم و اظهار احساسات تند و بالاخره به مثابه نماد ادبیات اعتراض دوران ما استفاده می‌کنند:

مثال:

- آه، اویزیم یازی دیلیمیز... نه دیر بو بئله؟ فیکیر لرین یوخسوللوغونی، یاوانلیغینی
بیر طاخیم بزه کلرله، مینجیقارلا نورتهمیه قالدخان آداملار قورموش اونی.

(آتاچ)

مثال دیگر:

- منیم قره بخت بالام، منیم هئچ گولمه میش بالام! دئیهدئییه آغلیردی. گوزلریندن
قان تۆکوردی یا ش یثرینه.

(فقیر بای قورد)

مثال دیگر:

... سارتر، دورمایان، قورتولدی دئمه‌ین، نتیجه بودور دئییب کسبب آتمایان

بؤيوك بير يازيچي، بير متفكر. دوندورمور هئچ بير نقطه نظري، فكري. هميشه داهها ئوته سيني، داهها يئني سيني آختارير. زيرا انسان اوغلي يئتيشينجه بير سطحه، تازادان چؤلده تاپير ئوزوني! هر تمدن مرحله سي انسان اوغلي يالينيزليغا، آجي ياه، بير جوره يوخلوغا ايتيلير. الدهه ائتديكلري غير كافي اولور. اسكي چاره لر، اسكي متودلار بير نقطه ده دوروب قالير. او زمان او ايره لي سطح ده كي ضيالي آدام داهها ايره ليده بير نقطه ده گئتمك حسرتيله باشلير آختارماغا، چاليشماغا...

(اوختاي آق بال)

در آثار منظوم

بديهی است همه دلایل که برای بیان عاطفی و یا بیان مستقیم اندیشه شمرديم در مورد شاعر به نحو اشد صادق است بعلاوه قواعد نظم و قالب های خاص شعری جوازهایی بیش از دیگران به شاعر می دهد. برای بدست آوردن مثال به هرديوان وسفينه غزلی یا مجموعه شعری می توان مراجعه کرد

(پایان)

است یا (آتالار سۆزی) و نتیجه را بمجمله وارلیق بنویسند:

قاشین دوزلیگی اگریلیگنده دور(راستی ابرو درکجی آن است)

مطلب دیگری که در باره (آتالار سۆزی و مثل لر) گفتنی این است که اینها خود شناسنامه خودشان هستند یعنی بایک دقت بهر (مثل و آتالار سۆزی) میتوان عمر و تاریخ بوجود آمدن آنها حدس زد مثلاً بعضی از اینها ترکی سره (چیلخا ترکی) هستند و کلمه غیر ترکی در آن وجود ندارد و این موضوع حاکی از این است که تاریخ بوجود آمدن آن موقعی است که صاحبان زبان اختلاط زیادی با اقوام دیگر نداشته‌اند. مانند «آرپاکن بوغدا ایچمز»، «آزسویله، چوخ دینله»، «ارآتانی ائل آتار»، «صوکی باشدان آشدی یا بیر قاریچ یا بش قولاج»^۵ و هر چه کلمه غیرترکی در آن زیاد باشد مربوط بدوره‌هایی است که اختلاط با غیرترک زیاد بوده است. مانند (عقل باشدا اولار، یاشدا اولماز)، (تنبله دئدیلهر قاپونئی ثورت دئدی یل اسر ثورتر) کلمه عقل و تنبل نشان میدهد که این جملات مربوط بزمانی است که اختلاط با اقوام غیرترک وجود داشته است.

گرچه این گمان هم هست که این جملات مربوط بزمانهای بسیار قدیم باشد ولی بعدها بجای کلمات اصلی کلمه‌های مصطلح زبان گذاشته شده باشد.

این جملات گاهی بیان کننده موقعیت جغرافیائی خود نیز هستند مانند: (هرصومنی آپاردی من اونا آرزودیهرم) از کلمه آراز معلوم میشود که مربوط بناحیه رود ارس است. آخرین سخن که در این مقاله باید گفت این است که در زمان رضا شاه دستور داده شده بود از سراسر ایران این قبیل فولکلورها جمع آوری و در تهران متمرکز و آنچه غیر فارسی است بفارسی ترجمه شود. و در آن روزگار مقدار زیادی (آتالار سۆزی و مثل لر) توسط ادارات آموزش و پرورش از آذربایجان جمع آوری و بتهران ارسال و بفارسی برگردانده شد پاره‌ای از اینها که بجای کلمه ترکی آذری لغت فارسی پیدا نکرده‌اند که بجای آن قرار دهند نتیجتاً در مقابل واژه آذری تعبیری از فارسی ساخته و بجای کلمه آذری قراردادده‌اند. نمونه‌ی زیر یکی از آنهاست که از ترکی ترجمه شده مانند (مارگزیده از ریسمان سفید و سیاه می‌ترسد) که از مثل آذری اصیل (ایلان ووران آلاچاتیدان قورخار برگردانده شده و چون در مقابل واژه (آلا) لغت فارسی پیدا نکرده‌اند آن را (سفید و سیاه) ترجمه نموده‌اند.

۱- آئینه.

۲- نام قدیم قسمت قره‌باغ آذربایجان شمالی است.

۳- جزیره. ۴- هشتاد. ۵- قولاج فاصله بین آرنج تانوک انگستان است

۶- چاتی بمعنی طناب تاییده از موی بزاست. ایپ

آذربایجان ادبیات تاریخینه بیر باخیش

(۶)

بازان: دکتر جواد هیئت

۱۹ اونجی عصرده قاجار خاندانی ایراندا سلطنت ائدیردی اصللری تورک اولان قاجار حکمدار لاری ایران ادبیاتینی حمایه اتمکله یاناشی تورکجه اثرلر یازیلما سینی دا تشویق ائتدیلر. بوندان قاباخکی مقاله میزده ایران منورلری نین جغتای ادبیاتینا و علی شیرنوائی نین اثرلرینه اولان علاقه لریندن بحث اتمیشدیک. بو علاقه بو عصرده ده ادامه تاپدی. فقط بو ادبیاتی یاخشی آنلاماق ایچون بو ادبی دلیلن گر امر ولغاتینی ئورگنمیه محتاج ایدیلر.

بو مقصد ایچون ۱۸ اینجی عصرده باشلامیش اولان فیلولوژیک چالیشلار بو عصرده ده ادامه تاپدی و آشاغیدا آدلاری ذکر ائدیلن اثرلر یازیلدی

- ۱- **بهجت الغات یا لغات اتراکیه:** بو اثر قزوینلی فتحعلی قاجار طرفیندن یازیلیب و ناصرالدین شاه اتحاف ائدیلمیشدیر بؤیوک جغتای جا فارسجا لغت کتابی دیر.
- ۲- **خلاصة عباسی:** محمد خوئی طرفیندن یازیلیب ولیعهد عباس میرزایا تقدیم ائدیلمیشدیر.

۳- **الطمغای ناصری:** محمد صالح اصفهانی طرفیندن تألیف و ناصرالدین شاه اتحاف ائدیلمیشدیر بو کیمی اثرلر تورکجه بیلن ایران شاعرلری نین حتی جغتای لهجه سینده ن قدر علاقمند اولدوقلارینی گؤسته ریر. حتی بعضی شاعرلرین بو لهجه ده شعر دئدیکلری معلوم دور بونلارین آراسیندا **حجت و نشاط** ان مهم لریندیر.

نشاط گنجینه ی نشاط آدیندا کی مجموعه سینده بولهجه ایله منظوم و منثور قطعه لر

یازمیشدیر.

بنددهی تبویوی - میرزا محمد رضی اوچ دیلده شعر و نثر یازمیش و فتحعلی شاهین ناپلئونا گؤنردیگی مشهور مکتوبی بو ذات یازمیشدیر. شکسته خطده مخصوص شیوه سی واردیر.

نستعلیق ده میرعمادومیرزا صالح عیاریندا خوش خط دیر. **زینت التواریخ** اونون اثری دیر.

بو عصرده ظهور ائدن شاعر لریمیزین چوخومرثیه شکلنده شعر یازمیش و بو وضعیت شمالی آذربایجاندا داعی ۱۹ اونجو عصرین اورتاسینا جا ق ادامه تا پمیشدیر. بو مقاله ده ابتدا بو تیپ شاعر لریمیزدن خلاصه اولاراق بحث ائده جگیک صورنا ایران آذربایجانین کچن عصرده کی مهم شاعر لریندن بحث ائدیب شمالی آذربایجاندا کچن ادبی جریانلاری قیصاجا شرح و نره جگیک.

مرثیه ادبیاتی:

مرثیه وفات ائدنلره قارشی بیان تائر و محبت ایچون یازیلان اثر لر دیر بو کیمی اثرلرین چوخونوی قصیده لر تشکیل ائدر. مرثیه اسکمی (قدیم) تورک ادبیاتی نین نوع لریندن بیر یدیر.

اسکی تورک قبيله لرینده، ئولن بیر آداما ماتم (یوغ) توتولان زمان ائل نوزی موسیقی ایله برابر ئولن خانی، قهرمانی، ییگیته تعریف ائتمه گی عادت ائتمیشدی. ماتم ده اوخونان پارچالارا **آغی** ده ئیلیردی بو آغیلارمانی^۱ شکلینده وهر بیری معین حالاناسب دیلمیشدیر:

شیروانین یاستی یولی سوکلدی باستی یولی
قاچدیم باشیم قورتاریم عزرائیل کسندی یولی

آغیلار مرثیه لرین بیر شکلی دیر. اسکمی دن تورک خلقلری ایچینده مشهور اولان **ساغور** (مرثیه) لر قوپوزلار ایله بیرلیکده عمومی ییغینجا قلاردا و یا خودمائم آئین لرینده اوخونان شعرلردی. یدی ویا سکگیز هجالی دؤرت مصراعدن مرکب اولان بو قطعه لرله ئوله نین فضیلت لری، جنگلری نین مختلف صفحه لری، ئولن قهرمان ایچون بوتون ائللین حتی بوتون طبیعتین نه قدر متائر اولدوغو تصویر ائدیلیردی.^۲

۱- مانی همان بایاتی دیر و خلق شعری نین ساده و زنگین بیر نوعیدیر: رباعیه بنزر، هجا و زنیله (یدی هجالی) سویله نیر و ایلك ایکی و یا اوچ مصرع مقدمه یرینده و اساس نکته و فکر دؤردونجو مصرعه سویله نیر.

۲- بو خصوصدا مرحوم فواد کؤپرولو تورک ادبیاتیندا ایلك متصوفلر اثرینده داها گنیش معلومات و نریر.

بوگون آذربایجاندا معمول اولان مرثیه چیلیگ شیعه لیکنه علاقه داردیر و بوتون شیعه خلقی آراسیندا مرسوم دیر. بونوع مرثیه چیلیک شاه اسماعیل ایله ترویج ایدیلمهیه باشلامیش دیر. شاه اسماعیل و فضولی کیمی بؤیوک شاعرلر طرفیندن تمل (بونویره) داشی قویولان بو نوع منظوم و منثور اثرلر آذری ادبیاتیندا مستقل بیر رشته نین انکشافینا امکان وئردی. کربلا فاجعه سیندن الهام آلان شاعرلر اورهک یان دیران مرثیه لر یازیب کربلا شهیدلرینی شعرلرینده تقدیس ائتمیشلر. بو تیپ شاعرلریمیزدن ان چوخ رغبت گوره نلری بونلاردیر:

۱- **نظام الدین محمد توفارقانلی**. مخمس شکلینده مرثیه لر یله خلق آراسیندا چوخلی رغبت گورموشدیر. و ۱۱۷۰ قمری ده وفات ائتمیشدیر. مرثیه لرینی اهل بیتنه عائد سؤیلمیشدیر.

۲- **سید فتاح مراغه ای**. مختلف منظوم و منثور اثرلر و مرثیه لر یازمیشدیر. تخلصی **اشراق** دیر. فارسجا مثنویسی ریاض الفتوح دن سوی تورکجه شعرلری مثنوی و مرثیه لر یله معروف اولموش و ۱۱۷۵ ده مراغه شیخ الاسلامی ایکن وفات ائتمیشدیر.

۳- **حاجی خداوردی**. اصلاحویلو اولوب موثر مرثیه لر یازمیشدیر. تخلصی **قائب** دیر. تورکجه دن سوی فارسجادا شعر یازمیشدیر و ۱۲۰۱ قمریده وفات ائتمیشدیر.

۴- **دخیل مراغه ای**. مراغه لی آخوند ملاحسین بونوع ادبیاتین استادی اولوب کربلا وقایعینی ۷ جلدده تورکجه یازیب منتشر ائتمیشدیر. دیوانی تبریزده متعدد دفعه لر باسیلمیشدیر (چاپ اولموشدیر).

دخیلین اثرلری بوتون مرثیه خوانلارین ازبری دیر و هاموسی کربلا مصیبتلرینه مخصوص دیر. دیلی و اسلوبی ساده دیر، کربلا میدانینی تصویر ایدرکن بیله یازیر:

بیر گلزار دیر که خیابانین گل لری سینه اهل ماتم تک چاک چاک، چشمه کنارین سبز لری چشم حسرت کیمی غمناک و ساحت زمینی دامن گلچین سراسر لاله خون و نسیم هواسی مانند آه دنشین و ریحانلاری یتیم زلفی کیمی غبار آلود و سرولری اسیر لر آهی تک سیاه اندوه و غنچه لری عاشق محزون تک خونبار و سنبل لری زلف عروسان ماتم دیده مثال تار و مار و رایحه نسیمی اشک اسیران ایله هم آب و هوا و هزاره لری اطفال غریبلره هم نوا و جویباری مجرای اشک لاله گون و چشمه ساری بعینه دیده پر خون، بلبل لری خاموش و باغبانی مدهوش.....

ایمدی نظم لریندن بیر نمونه نقل ائدیریک:

نوجوانلار نعشی، سرو واژگون	وه نه گلشن چشمه ساری جوی خون
پنبه داغ جراحی تدیر گلی	قانه باتمیش طره لر دیر سنبل
بیر طرف مبهوت دورموش باغبان	بیر طرف گل لر تمام اولموش خزان

بیر طرف بی هم اسر باد سموم
 قدسیان اول گلشنه حیران همه
 بیر بئله گلشنه آغلار بلبلی
 ائتدیلر دقتله چون هریان نظر
 بو چمن دیر بوستان کربلا
 بیر طرف قان ایچره یاتمیش بیر جوان
 آشیان مرغ پیکان پیکری
 بسکه ده گیش تیر و خنجر آبدار
 یوسف مصری کیمی گلگون کفن
 کیمدی یارب اول جوان ماهرو
 ام لیلی نین علی اکبری
 گوردولر بیر یاندا دوشموش خوارزار
 بسکه جسمیندن اولوب هریان روان
 کیمدی یاران اول غریب ناامید

بیر طرف زاغ و زغن ائیلهر هجوم
 وادی حیرتده سرگردان همه
 قان ایچینده تربیت تاپمیش گلی
 گوردولر آچمیش زبان سوسن دی پر:
 مقتل پیر و جوان کربلا
 خلق پاکیندن اولور آل قان روان
 پای تا سر زخم، جسم انوری
 هر سر موئی آچیب بیر چشمه سار
 صید تک خنجر گروگان جفا
 کیمدی یاران اول غزال مشک بو
 کربلا سرداری نین گل پیکری
 بیر اوجا قامتلی قولسوز شهریار
 کوه و صحرائی ائدوب دریای قان
 تشنه لر سقاسی عباس شهید.

و بودا دشمن قارشی سیندا دوران حضرت علی اکبرین رجز لریندن بیر قطعه:
 بحر طویل:

بیلین ای لشکر کفار بدطینت و بدفطرت بی غیرت بی عار جفاجوی جفاکار خطا دیده
 خطا کار منم شبه پیمبر، منم نایب حیدر، منم مثل غضنفر، منم صاحب خنجر بیر جوانم
 که وجاهتده، صلابتده، سخاوتده، ملاحته، طراوتده، طلاقتده، لطاقتده، نجاپتده، منه
 یوخدی برابر نه نبی و نه ولی و نه نقیب و نه نجیب، نه فلکده ملک مهر و مه انجم.
 انواره و سیاره منم، منم خلقتده هم نطقده مرآت رسول مدنی و قریشی مظهر اوصاف
 علی شیر خدا، شیر صدا، مهتر و کهتر و هم سید قنبر و هم ساقی کوثر قاتل عنتر و قالع خیبر
 انا علی بن حسین، الخ...

و اوزن قشون جماعتینه دوتوب بووردی:

سیزده اگر یزید بد اختر نشانی وار

گوندن ایشیقدی بیزده پیمبر نشانی وار

من نایب حسین، حسین وارث علی

منده حسین و حیدر و صفدر نشانی وار،

واردیر آتام حسین ده چون صورت علی

ائتسه قبول منده ده قنبر نشانی وار

اولماز حریف کیمسه منده، منده بی‌خلاف

عباس نامسدار دلور نشانی وار .

۶- **راجی**. میرزا ابوالحسن راجی ۱۲۴۷ هجری ده تبریزده آنادان اولموش و کربلا شهیدلرینه یازدیغی نوحه‌ار و تورکجه و فارسجا غزللر ایله مشهور اولموشدیر. دیوانی تبریزده چاپ اولموش. بو شاعر مکهدن مراجعت ائندنه ۱۲۹۲ ده دریای قلزمده غرق اولموش و یاغفار کلمه‌سی بو حادثه‌نین ماده‌ تاریخی اولموشدیر. راجی‌نین فارسجا و تورکجه غزللریندن بیر نمونه نقل ائدیریک:

تا ترا لعل لب ایدوست ز می رنگین است

همه عمر مرا موسم فروردین است

لب نوشین تو گر تلخ بعاشق گوید

جز فراق هرچه بگوئی سخت شیرین است

غم چه داری اگر از هجر تو نابود شوند

هر چه عاشق بکشی باز دوصد چندین است

زاهدا جنت و کوثر بتو ارزان که مرا

دیدن دوست به از جنت و حورالعین است

شب در این شهر همه خلق براحتم مشغول

قرعه خواب نرفتن بمن و پروین است

گفتم ای چشم مرو در عقب مهرویان

گفت پندم مده و رو که مرا این دین است

عشق دردبست که راجی زغمش جان نبرد

چون کبوتر که مقید بکف شاهین است.

نه قدر سن کیمی بیر غنچه دهانیم یوخیدی

ای پریش بو قدر آه و فغانیم یوخیدی

توتیای خطی جان نقدینه آلسیدیم اگر

ای کؤنول بیل که بوسوداده زیانیم یوخیدی

یاره رمز ایله هامی دردیم ییلدیردیم من

کشف راز ائتمکه هر چند زبانیم یوخیدی

سرکویسون منه دنباده عطا ائیلسه دی حق

چونکه عقباده منیم میل جنانیم یوخیدی

گۆردى بىرسوزلە ياندى بوگىچە حاليمە شمع

چونكى بىر شمع كىمى جانى يانانيم يوخىدى

نعمت و صليوه صد شكر يتيشديم بى رنج

منيم ئوز طالعيمة هيچ گمانيم يوخىدى

راجى يازديم قالمىدىن بوغزل نام و نشان

چونكى عالمده منيم نام و نشانيم يوخىدى

راجى تجنيس ياراتماقدا چوق هنرلى دىر آشاغيدا بىر نمونه نقل انديرىك:

يوخومدور منيم سرده گشت بهشت

ده ميه زاهدا سرگذشت بهشت

غمىدىن ايكسى عالمين فارغم

بو كوب قديمى عشق ايله بارغم

منيم تىك اول آشفته بو كاكسه

دل و دين و ثريب مشكبو كاكسه

منى يانه يانه قويوب يان دوران

گل اى عاشقين آتسه ياندوران

كچرعر شدن هرگون آهيم منيم

نه دىر اى مهي قد گناهم منيم

تؤكوم اوزه من رود شط رنج ايله

سن اوينا گىچه رود شطرنج له

۷- دلسوز: محمد امين دلسوز اصلى تبريزلى دىر

بوتون عمرونى فقايله كچيريب، شعرلرىدىن آنلاشيلدىغى اوزره، گاه توتون ساتوب

گاه بقا للىق انديب و نهايت بىر مدت زنداندا قالميش و اوندىن صورادا نؤكرچىلىك

اىتميشدىر دلسوز شىخ الاسلامين مدحىنده ييازديغى شعرىنده فقير ليگىدىن و بوغدىن

آرتاپىلدىغىندان شكايىت اندير:

قبله گاهها فلكىن قصدى دل زارده دىر

عالمين غصهسى بو خاطر افكار ده دىر

گونى گوندىن منيم اندوه غمىم آرتيق اولور

بىلمىم بختده يا چرخ جفاكارده دىر

عالمين دادرسى سنسن ايا دادرسىم

بونى اقرار ايليور هامى كيم انكارده دىر

من فقيرىنده يتيش دادىنه اى داده يتن

درديمن چارهسى بودوركه سركارده دىر

من ايله بوغدىن عالمده سن ائت ديوانين

گؤرگله بنده ده تقصير او خونخوارده دىر

نچمه مدتدى اليمدىن قاچوب اول ظالم دون

دوتموشام ايمدى سراغين سيزين انبارده دىر

التماسیم بودی سندن دوتوب اول سنگدلی

وئره سن بندهیه چون قصد دل آزارده دیر

دلسوزون دیوانینداکی پارچالار (باشدان ۲۵ صفحه) فارسجا اولان حضرت علی مدحینده تصبده لر ایله نوحه و سینه زنلردن صورنا تورکجه تصبده، نوحه، سینه زنلر گلیر و نهایت غزلیات، مخمس، ساقی نامه، مدح نامه، رباعیات، بهاریات و سائره سی واردیر. بو اثرلردن دلسوزون مرثیه چیلیکدن باشقامداحلیغی، هجوگولینغی و غزلخوانلیغی دا میدانا چیقیر.

بو یازیمیزدا دلسوزون ایکی غزلینی نقل ائتدیکن صورنا بیرده هجولریندن بیر نمونه نقل ائده جگیک:

زلفون دوشنده یاده پریشان اولور کؤنول

لعل لبین خیالی ایله قان اولور کؤنول

هیل سرشکیم عالمی غرق بلا ائدیپ

از بسکه دود آه ایله طوفان اولور کؤنول

کلزار حسن ایچینده اگر غنچه لب لرین

بیرنیم خنده ائیله سه خندان اولور کؤنول

کؤرسه م سنی رقیب ایله جام می ایچمیسن

رشک آتشینده قوش کیمی بریان اولور کؤنول

غمزن اوخون آتанда کمان قاشدن کئچر

زنبورخانه سی کیمی شان شان اولور کؤنول

هر دم کؤرنده باغده اول سرو قدینی

بیخود سنین دالینجا خرامان اولور کؤنول

رویون خیالی ایله یاتوب خواب ائیله سم

خلوتگه وصالده مهمان اولور کؤنول

دلسوزه لطف اوزیله اگر ائیله سن نظر

مور حقیر اولسا سلیمان اولور کؤنول

قویسدی منی بو دهرده آواره کؤزلرین

سالدی منی بو غملره اول قساره کؤزلرین

ای گل ایشیم اولوب کئجه گوندوز فغان منیم

بلبل صفت گتیردی منی زاره کؤزلرین

یوسف کیمی بو دهرده ای شوخ دلربا

چكدى منى نه شوقيله بازاره گۆزلىرىن

ايمدى بىر هجو شعرىندىن بىر پارچا:

قاضى سىن گۆردوك كه قورموش دام خلقىن مالينه

ملاسىن گۆر حيله و تزويره باخ گل حالينه

حاجى سى توكسوز پرستدير باخما يوغون شالىنا

روضه خوانلار توپوروزلر بىر بىرىنىن يالىنه

بىر بىرىله بحث اندرلرمنده صاحب منبرم

اول حكىملر بىلمرم من بىلمير آخىر كور ايلن

ئولدور و رلر دهر آراچوق ناخوشى دستورايلن

عالمى صراف صويار آغلار هميشه شوريلن

جمله نوكر بابى خلقىن مالين آلور زوريلن

دىنمه سن سۇيلر فلان خان طۇيله سىنده مهترم.

الخ

قىمىرى: ميرزا محمد تقى قمرى در بىندلى دىر و ۱۲۳۵ دە آنادان اولموشدور قمرى دە دخىل كىمى كرىلا واقعه سىنى باشدان آياغا بىر داستان حالينه سالماق ايسنه ميشدىسر. دىندارلىق و مرثيه چىلىك جريانى نىن مركزى اولان در بند حقىنده مرحوم فرىدون كۆچرلى بئله دئير: بوشهرين اهالى سى قديم دن اسلام دىنىنده اولدوغونا گۆره هميشه شعار اسلامى مراعات انديب، دىندار لىقده و دىن پرور لىكده شهرت بولوبلار. رمضان المبارك و محرم الحرام آيلارىنى كمال صداقت و احترام ايله زهد و عبادتده و تعزیه دارلىقده كنجير مگى مقدس وظيفه لرىندن حساب انديرلر، خصوصاً شهادى كرىلا ايچون اعلا مرتبه ده تعزیه دوتوب روزه خوانلىغا و شبيه گىردانلىغا آرتىق ميل و رغبت گۆسته رىرلر. شبيه بناسى يوز ايلدن زياده دىر كه در بند شهرينده قويولوبدى.

قمرى حقىنده ده كۆچرلى بئله يازير: معاصرى بىنىنده اشتهار بولموش زياده جرئتى و همتلى و صاحب منصب و حكام حضورينده معروف و اجتماع ناسده در بند اهلى نىن احتياجىنى بىلدىرن و عرض حال و درددلنى عرصه ظهوره گتىرن دلور... بىر وجود ايدى. زياده دىندار و چاكر اهل بيت رسول اولدوغونا بناء قديمآ در بندده شبيه اساسى متداول ايكن اولجناب داحى شبيه بساطينه راغب و مايل اولوب هرسته مبالغ هوللار صرف انديب شبيهه دائر مكالمات جديده ترتيب انديرميش...

فرىدون كۆچرلى قمرى نىن شرح حالينى بازار كن اونون يالنىز مرثيه شعرلرى يازماسىنى بئله ايضاح اندير: حيفا كه قمرى قوه شعريه سىنى آنجاق بويولدا يعنى مصيبت يازماقدا صرف انديب، نوز كه قسم آثار قويمو پودور كه شايدان دقت اوله. البته بونا سبب اونون

پیشرو لری و معاصرینین خصوصاً در بند اهلی نین مصیبت نامه نی هر قسم اشعار و کلامه ترجیح دو تماقلاری و یا شاعرین نوزونون ایام طفولیتیندن شبیه گردانلار و مرثیه خوانلار و نوحه سازلار آراسیندا نشوونما تاپماسی و ائوتربیه سی اولوبدیر.

قمری نین کلیاتی کتاب کنز المصائب قمری آدیندا چاپ اولموش. بو کتاب ۱۴ معصومون مناقب و مصائبینده یازیلیمیش شعر کتابی دیر. کتاب بیر کیچیک منشور مقدمه دن صونرا توحید تصبیده سیله باشلار صونرا شعر مدحینده و عشق ایله عقلین مناظره سی گلیر صونرا سلطان ناصرالدین شاهین مدحینده بیر قصیده و ۸ ساقی نامه و حضرت محمد ص ین مدحینده دؤرت قصیده و حضرت علی نین مدحینده ۱۲ قصیده واردیر صونرا پیغمبرین وفاتی و اونندان صونرا کی وقایع باره سینده شعرلر و بالاخره واقعه کربلا یا عائد مفصل منظوم پارچالار یازیلیمیشدیر.

ایمدی قمری نین شعرلریندن نمونه ایچون ایکی پارچاسینی نقل ائدیریک:

نه نوع داخل اولوم مجلس سلیمانیه

دگیل گدالره لایق رواق شاهانه

هانی او رتبه که بزم وصاله قابل اولوم

فنا و بیدل ایسن مقبله مقابل اولوم

نه قابلیت ایله هم زبان اولوم میوه

نه تسمن گؤتوروم در نظمی تصویره

نجه برابر اولوم دل شکسته محزون

کلامی گؤزیاشینی دؤنده ریبدی جیچونه

اولوم نه نوعیله هم داستان باقر ایسن

عزا مجالسینی دولدوروب جواهر ایسن

نجه اکیم بو گلستانده نظم گل لرینی

چکییدی جوهری خوش کلام جوهرینی

هانی او فیض می عشق دن اولوم مخمور

ایچیم دخیل ایله بیر جامدن شراب ظهور

نجه مقابل خاکی اولوم بودم من زار

جواهرات غزل ائیلیوب بو غمده نثار

نه قدر تیم وار اولام هم طراز سو بازه

او قدر طوطی طبعیمده یوقدیر اندازه.

۱- حروف سیاه ایله یازیلیمیش آدلار مرثیه جی شاعر و یازیچی لاردیر.

ماه محرم اولدی گنه گوپلر آغلادی
 دوشدی جهانہ غلغلہ عالملر آغلادی
 گلدی مہ مصیبت و ایام تعزیه
 بو ماتم عزا ده گورون کیملر آغلادی
 شاه رسل امیر عرب ختم انبیاء
 عامه سین آلوب اله پیغمبر آغلادی
 دؤندی خزانہ گلشن زهرای زهردن
 دشت نجفده سرور دین حیدر آغلادی
 باشین آلوب دیزاوسته کفن سیزوئربیدی جان
 خیرالنسا باشیندا قارا معجر آغلادی

اولاد حیدرین چکن آه و فغانینه
 کرب و بلاده مؤمن و هم کافر آغلادی
 شاما طرف اولاندا روان کاروان غم
 یر آغلادی گوی آغلادی نه کشور آغلادی
 قمری بو قصه الم افزانی قیل تمام
 الده قلم شرار دوتوب دفتر آغلادی

صراف: حاجی رضا صراف تبریزی حاجی محمدین اوغلو دیر و ۱۲۷۱ قمریده
 تبریزده آنادان اولموشدور. جوانلیغینین ایلك چاغیندا تحصیل و تجارتله مشغول اولموش و
 حیاتی نین چوخونی علم و ادب و خیر ایشلرینه حصرائتمیشدی. صراف ۱۳۲۵ قمریده
 ۵۴ یاشیندا وفات اتمیشدیر. صراف مرثیه شاعرلری نین ان گورکملیسی ویان گورکملی
 لردن بیریدیر. صرافین نوحه و سینہ زنلر و غزللرینی احتوا ائدن تورکجه دیوانی تبریز
 و تهراندا چاپ اولموش، دیوانین صونوندا بیر تک فارسجا غزلی واردیر:
 دیوانی حضرت علی نین مدحینده دئیلمیش بیر قصیده ایله باشلار، نوحه لر کربلا
 شهیدلری و یاقین اقربالاری نین دیلیندن سؤیلتمیشدیر.

صرافین شعر دیلی ساده، روان و خلق دیلینه یاقیندیر. نوحه لری نی اوخیاندا متأثر
 اولماماق ممکن دگیل. اوشاقلیق زمانیمیزدان ائشید دیکیمیز و یادیمیزدا قالان نوحه لرین
 چوخو صرافیندیر. صرافین سوزوندون صونراکی شاعرلره بوجمله دن معاصر غزل استادی
 شهر یارا داتا تیری اولموشدور. استاد شهر یارین بعضی تورکجه غزل لرینده صرافین غزل لرینده کی
 سوزلر، تشبیهات و افاده طرزینه اوقشاییشلا گورمک اولور ایمدی نمونه ایچون صرافدان
 بیر نجه نوحه و غزل نقل ائده جگیک:

امام حسين ديليندن حضرت زينبە كرىلا يا گلندە سۆيلەنمىش نوحە:
 بو چۆلدە باجى محنت ھجران سنىن اولسون
 آغلار گۆزىلە زلف پرىشان سنىن اولسون
 ھەدائىلەمىشم بوردا گرك تىشنە وئرم جان
 باش سىز بدنيم ايسسى قوم اوستە قالا عريان
 منان ياتا، بو چۆلدە گرك يتمىش ايكى جان
 شام ايچرە باجى منزل ويران سنىن اولسون
 بو دشت بلا اولموش عجب بزمى مرتب
 غم جامين ائدىبلە مى محتلتە لبالب
 تقسيم اولونوب آل پىمبەر، باجى زىنب
 عباس منىم، عابد نالان سنىن اولسون
 ترك ائىلەرعدو حرمت قرآن و كتابى
 يغمايە گندر فاطمە نين طاقت و تابى
 من اصغرى آغوشە آلیم سنده ربابى
 بو شرط ايلە پىكان منىم، افغان سنىن اولسون
 بو چۆلدە با تار كاكل اكبر باجى قانە
 تير غمە ليلانين اولور جسمى نشانە
 من ئۆلمە مىشم گلە گىلن آه و فغانە
 مندن صورا بونالە و افغان سنىن اولسون
 گۆرسن باشىمى اكبر ايلە نيزە دە ھمسر
 وور باشووا گل ناليە سالما يرە معجر
 اولموش باجى جان روز ازل بئىلە مقرر
 بو دشت منىم كوه و يبابان سنىن اولسون
 ھر ظلم و ستم گلە باجى اولما پرىشان
 پيمانەى غم نوش ائىلە تاسينمايا پيمان
 جمع انت باشووا سلسلە آل رسولى
 سرسلسلە قىل عابد يىمار ملولى
 كول اوستە قويا باجى كسيك باشىمى خولى
 تنور منىم سىنە سوزان سنىن اولسون
 صرافە رضا لازمە دير گوھر معنا
 نە قشر نە تركيب نە صورت نە ھيولا

تحصيل کمالات اندیب قابل انشا
تا روز جزا روضه رضوان سنین اولسون.

علی اکبرین آناسیندان وداع نوحه سی:

گل حلال ایله منی عازم میدانم آنا
بیر دقته سنه بو خهمده مهمانم آنا
چون وئریب سرور لب تشنه منه اذن جهاد
ائيله یوب خاطر ناشادیمی بیر حرفیله شاد
قالماییب حسرتیم عالمده بودور عین مراد
خاک پا یوندا فدای ره جانانم آنا
بی ادب سانما منی بسکه واریمدیر عطشیم
قورویوب غنچه دو داقیم اودی خندانم آنا
ایچمهرم سوگندرم مجلس جانانه صوسوز
جد وجهدیم بودورایمدی بویانام قانه صوسوز
باغلائیب صویولی صد شکر آچیتدیر ره عشق
کربلا دشتی اولوب محضر شاهنشه عشق
کشته ی عشق ایله مملودی قربانگه عشق
قوی گئدیم منده وئریم جان سنه قربانم آنا
یاز دوباره بو سوزی دفتر صرافه رضا
گل حلال ائيله منی عازم میدانم آنا.

حضرت ام لیلا دیلیندن علی اکبره:

دوشمه میشیر اوزونه سرو خرامانین اوغول
قوی اندیم شانه سر زلف پریشانین اوغول
حلقه حلقه تۆکولوب دسته کاکل اوزوه
دیه سن سنبل تردیر داغیلیب گل اوزوه
اولدی کؤنلوم قوشی بلبل کیمی مایل اوزوه
گؤردی طرفه گل آچیب طرف گلستانین اوغول
ایمدی که اذن وئریب دیر سنه شاه شهدا
یری گئت دورما علی، قافله دن اولما جدا
سنده قاسم کیمی قیل جانووی جانانه فدا
گتیر ایمدی اله منظورینی لیلانین، اوغول

گر چه لیلاى وصالونداڻ ئوتور مڭنوم
 دئمیرم گئتمه بو گئتمه یوه چوخ ممنوم
 سن اكر باتمپاسان قانوا من مڭنوم
 گۇزیاشیم تک آخا بوچۇلده گرهك قانون اوغول
 برج توحید ده بیر بدر منور سن علی
 سر بسر آینه حسن پیمبر سن علی
 من نه وجهیله دیشیم یوسفه بنزر سن علی
 واردی چوخ فرق سنیلن مه کنعانین اوغول
 اونى مصر ایچره آلیب ساتدیلا جزئی ثمنه
 سنى جان نقدینه آلام گنه وئرمزله منه
 کوی قربانگه عشق ایچره نه بنزر اوسنه
 اولا قربانى آنان سن کیمی قربانین اوغول
 گر چه بو شهرده اولموش هامی اصناف سخن
 سنى تائید حسین ائیله دی صراف سخن
 اوخو بو مصرعی چوخ وورماداحی لاف سخن
 دوشمه میشیر اوزونه سرو خرامانون اوغول.
کربلادن شاما گئندنه حضرت زینب دیلیندن سؤیله نمیش نوحه :
 بو دیار کربلا بو سن خدا حافظ حسین
 کاروان یول لاندی شامه من خدا حافظ حسین
 دستگیرم عاجزم زنجیر ظلمه باغلی ام
 یدی قارداشیم ئولوب قارداش اور کدن داغلی ام
 ممکن اولمور سس چکم بیرجه دو یونجا آغلیم
 دوره می آخر آلیب دشمن خدا حافظ حسین
 گلشن جسمینده خنجر یاره سی گل گل آچیب
 اوخ او گل گل یاره لر اوستونده خوش سنبل آچیب
 شرح حال ائتمکلیگه هریاره یوزمین دیل آچیب
 اولموسان سر تا بپا گلشن خدا حافظ حسین
 زینبین ئولسون حسین گور بیرجه سن سیز زینبه
 پاسبان دیر شمر ذی الجوشن خدا حافظ حسین
 باخ بو صرافین رضا گۇزدن آخان گۇزیاشینه
 عبرت ایله سن ده گۇز یاشون بوراخ ئوزباشنه

دمبدم زینب دیلینجه عرض قیل قارداشینه

بو دیار کربلا بوسن، خداحافظ حسین.

حضرت فاطمه دیلیندن تنور خولی ده کی امام حسینین باشینا:

ای نور عینیم منزل مبارک	ای نور عینیم منزل مبارک
دور بیر آنا وا خوش کلدین ائیله	دور بیر آنا وا خوش کلدین ائیله
لازم دی یاتسون بلبل گل اوسته	لازم دی یاتسون بلبل گل اوسته
کسمیشدیم ایندی قان ایچره یانون	کسمیشدیم ایندی قان ایچره یانون
ناگه یتیشدی توز سار بانون	ناگه یتیشدی توز سار بانون

عاشورا گنجه سی نوحه سی:

کل گلزار رسالت بو گنجه	کل گلزار رسالت بو گنجه
بیر دیونجا باخا اکبر اوزونه	بیر دیونجا باخا اکبر اوزونه
زینبون قلبینی آرام ائلیوبوب	زینبون قلبینی آرام ائلیوبوب
یاتمیوب آل علی صبحه کیمی	یاتمیوب آل علی صبحه کیمی
باغلانیب صیولی لب تشنه قالوب	باغلانیب صیولی لب تشنه قالوب

ایمدی غرلردن نمونه وئره جگیک:

پرپوش لر همیشه رسم دیر عشاقا نازائیلهر
منیم یاریمده انصاف ومروت چوخدور آز ائیلهر
خیال کا کل مشکینه گؤنلوم اولدی پیچیده
بو عمر کوته ایلن صحبت زلف دراز ائیلهر
دهانون سرینی بیلمه زدی عقلم عشقین نور گندی
عجب دیوانه دیر بیگانه یه افشای راز ائیلهر
مخالف زعمینه بزم طربده مطرب مجلس
بیر توزگه شوریلن باشلارنوا ترک حجاز ائیلهر
کؤنول چین سرزلفونده ائتمه ز ناله بیهوده
قرانلیق گنجه ده محبوبلن راز و نیاز ائیلهر
حدیث عشق محمودی سوروشما هر ترشروندن
اونی شیرین حکایت ائیله سه حسن ایاز ائیلهر
امیدیم وارینه صراف الی آخر ده بیر یانه
محبت بوطه سینده بسکه جان نقدین گداز ائیلهر

نولوردی مجلسیمیز بیر دقیقه خلوت اولیدی
 دییوب دانیشماغا جانانیلن فراغت اولیدی
 برابریمده نگاریم یا نایدی شمع کیمی
 من آه سرد چکیدیم او گرم صحبت اولیدی
 گهی دوریدی قباغیمدا سرو قامتلن
 گوزوم گوره گوره بو نشئده قیامت اولیدی
 دیوب گولوب اوتوریدوق کمال عشرتیلن
 بسان آینه دل خالی از کدورت اولیدی
 یتویدو تنگه داحی تنگنای عالمدن
 اجل کلیدی بو صراف ئولیدی راحت اولیدی

صون اولراق فارسجا شعرینی نقل الدیویک:

کاش از غم زمانه بیا سود می دمی
 دامن ز چنگ حادثه بر بود می دمی
 صیاد اگر ز بند بلایم رها کند
 آسوده با خیال تو بسرود می دمی
 گو خضر پی خجسته بیابان عشق را
 من هم پیای لنگ پیمودمی دمی
 هرگز خیال سوسن و سنبل نکردمی
 گردیده بر جمال تو بگشودمی دمی
 با این تن بلاکش و این آه آتشین
 در بزم عشق لاله رخان بودمی دمی
 اندر طریق عشق تو سودوزیان یکی است
 نه در پی زیانم و نه سودمی دمی
 بر من معخوان حکایت عشق ایاز را
 من عاشق بلاکش محمودمی دمی
 بر فرق فرقدان بنهم پشت پای را
 گر سر بآستان درت سودمی دمی
 از نقد جان براه غمت هر چه کاستم
 اندر سر محبتت افزودمی دمی
 از خوب وزشت خلق جهان دم غنیمت است
 اکنون پردرد هجر تو خوشنودمی دمی

رسوای خاص عالم دور از تو کاشکی

دامن بخون دیده بیالودمی دمی

از دیده سیم اشک ببارم بروی زرد

صراف این در اهم معدودمی دمی

بوشاعر لردن سوای جنوب آذربایجاندا پوغم و شکوهی و در بند ده شعاعی

و سپهری و باکی ده میرزا حسیب قدسی کیمی گؤرکملی مرثیه شاعر لرینی و دها
باشقالارینی داقیدائتمک لازیمدیر.

منابع و مراجع:

۱- آذری ادبیاتی نین تکاملی (۱۸ و ۱۹ اینجی عصرلر). اسلام آنسیکلوپدیسی.

جلد ۲ پرفسور فواد کؤپرولو.

۲- آذربایجان ادبیاتی: احمد جعفر اوغلو. تورک دنیاسی ال کتابی. آنکارا (۱۹۷۷).

۳- ادبیاتدان ایش کتابی: ح. زیناللی. عبداله شائق. آ. موسی خانلی. ج افندی زاده.

آذرنشر. باکو (۱۹۲۸).

۴- آذربایجان ادبیاتی. بیرینجی جلد. فریدون بیگ کؤچرلی. علم نشریاتی. باکو.

(۱۹۷۸).

۵- دیوان راجی. چاپ تبریز.

۶- کلیات کتاب کنز المصائب قهوی در مناقب و مصائب چهارده معصوم علیهم

السلام. موسسه چاپ و انتشارات عبدالرحیم علمی. تهران.

۷- دیوان صراف. نوحه ترکی وسینه زلری. کتابفروشی بوذرجمهری (مصطفوی)

تهران.

۸- دانشمندان آذربایجان. م. ع. تربیت.

دیدار با استاد شهریار استاد شهریار لاگوروشمه

بو یاخینلاردا اوزون سورهن ۳۳ ایل لیک اضطراری مهاجرتدهن صونرا وطنه قایتمیش پرنسور غلامحسین بیگدلی مرداد آیینین اورتالاریندا استاد شهریارلار گوروش مقصدی ایله تبریزه گتتمیش، اورادا شاعرله گوروشوب ایکی گنجه استادین حضوروندا اولوب، بیرنجه ساعاتلیق بو اوغورلو گوروش صحبتلرین نوارا ضبط ائتمیشدی.

غلامحسین بیگدلی تبریزدن قایتدیقدان صونرا بو گوروش احوالاتینی گنیش صورتده قلمه آلمیش اونو بیر جزوه شکلینده چاپا تقدیم ائتمیشدی. بورایا آذربایجان وفارس دیلینده بیرنجه ینی شعر، شکل و گوروش مراسمین تفصیلاتی داخل دیر.

«وارلیق» مجله سی بوسایی سینده غلامحسین بیگدلی نین استادشهریارا حصر ائتدیگی «عمر دوباره» و استادشهریارین بیگدلی یه حصر ائتدیگی «اوتایدان گلنه» شعرینی چاپ ائدیرو حرمتلی اوخوجولاریمیزین نظرینه چاتدیریر.

بونودا قیدانده که، استاد شهریار ۹۰ مصر اعدان عبارت آنادیلینده خلق شاعری سلیمان رستمه بیر منظوم جواب مکتوب یازمیش و اونودا غلامحسین بیگدلی یه اوخوموشدو. همین مکتوب دا آدینی چکدیگیمیز جزوه یه داخل دیر. شعر خلق ماهنی سی آرپاچایی آشدی داشدی سئل سارانی گؤتدو قاچدی وزنینه دیر. همین شعرینده بیرنجی بندینی وئریریک:

گون چیرتدادی گؤز قاماشدی
آراز منن خوسانلاشدی

عشقیم آیاق یالین قاچدی

سنه قربان منیم جانیم...

حسین گلسمین سلیمانیم

«وارلیق»

عمر دوباره

شهریارا بدرت بهرنیاز آمده‌ام
سالها در دل ظلمات سکندر بودم
سالها در بدر و خسته‌ی هجران بودم
مونسم شعر تو و خوشدلیم یاد تو بود
شکرگه که ایام فراق آخر شد
آمدم تا که کنم شکوه زدوران فراق
آمدم تا که دهم شرح پریشانی خویش
آمدم خاک وطن سرمه‌ی چشمم سازم
آمدم تا که مقیم سرکویت باشم
اوستادا بجمال تو دو چشمم روشن
بیگدلی عمر دوباره است وصال اوستاد

قبله گاه با حضورت بنماز آمده‌ام
از ته چاه سکندر بفراز آمده‌ام
حالی از سفر دور و دراز آمده‌ام
پیش محمود ادب همچو ایاز آمده‌ام
یوسف و قتم و من سوی تو باز آمده‌ام
از نبرد فلک شعبده باز آمده‌ام
گرچه از بزم نکویان طراز آمده‌ام
بتگر با چه امید و چه نیاز آمده‌ام
نزیی حشمت و یامکنت و ساز آمده‌ام
بر سرکوی حقیقت ز مجاز آمده‌ام
اوستادا زبانی عمر دراز آمده‌ام

تهران، شهریور ۱۳۵۸

محمد حسین شهریار

اوتایدان گلنه

وطندهن آیری دوشن اولادیم، قایت وطنه
قایت که، گوزیولاتی کمیش آنان قایتدی سنه
آنان سنی ایتیرییب، آختارییبینه تاپدی
دئیر بالاسایق اول، تاپدیقین ایتیرمه یینه
جواهری ایتنه‌نین دردینی کیمه دییه سن
یینه تاپیلسا، دین بس، جواهری ایتنه
خزاندان، اول تارایئل بلبله دیدی قوی گنت
گل ایله قالدی گوروش اولمسک گوی اوت بیتنه
گوی اوت بیتیب، گل آچیپ یاز گلیب او خورقاز لاق
قیشی چاخاردیب اوشاقلار، قاجیلاچای چمنه
سنین تانیشلاری نین چوخلاری قاباقدان گندیب
دالی قالان ائله بیر تکجه منحصردی منه
سنه تانیش قالان اولسا منیم کیمی قوجالار
اولاردا سن گدهن ایللرده کورپه بیر ائنه
گل اکمه‌دهن قوجا باغبان بو کولسه بیل نه غمین
دالینجا رحمت او خورلار بو گل لری اکنه
منیمده قدریمی بیل گل باشین تیکان ساخلار
جانین دا، تادیری دیر احتیاجی وار بدنه

آدين نه قويسا قويوب شيطان اصل ديريو گده^۱
ساديسي وار، نه سنه رحمي وار اونون نه منه
اجنه تيك تميز انسانلاري كسيب بيچدي
بيزيم جزيره ميزي قويدو خالي از سگنه
اوآلهين دانيب ئوزنفسينه ترحمويوخ
دسن ده بوندي اوغلوم، دي برعمي سنه نه
اوتايلى سيز سيزاولان يرده شهر يار غزلي
اوخونسادا ائله بيل مشكويوللوسان ختنه

تبريز، مرداد ۱۳۵۸

انعکاس انتشار مجله وارلیق در محافل خاورشناسی دانشگاهی آمریکا

بولتن انجمن بررسی زبان و فرهنگ ترکی که در دانشگاه اندیانا از طرف هیئت علمی مطالعات زبانهای اورالیک و آلتائیک بطور ماهانه منتشر میشود در شماره دوم سپتامبر ۱۹۷۹ مقاله زیر را در مورد انتشار مجله وارلیق انتشار داده است:

وارلیق: جنبش جدید فرهنگی در آذربایجان

در ژوئن ۱۹۷۹، نخستین شماره مجله ماهانه فرهنگی و ادبی «وارلیق» در تهران منتشر شد. این مجله دوزبانه (ترکی آذربایجانی و فارسی) بوده با همکاری روشنفکران آذربایجانی مقیم تهران، بعنوان ارگان کمیته امور فرهنگی و ادبی «انجمن آذربایجان» انتشار مییابد.

تا سال گذشته انتشارچنین مجله‌ای بزبان ترکی آذربایجانی و تشکیل انجمن اقلیت‌ها بمنظور دفاع و پاسداری از حقوق انسانی و فرهنگی مردم آذربایجان، در زیر رژیم استبدادی شاه، جزو جرائم غیرقابل بخشش بشمار می‌آمد. در واقع، بهنگام حکومت شاه، بسیاری از روشنفکران، حتی باتهامات کوچکتر از این‌ها زندانی گشته اعدام میشدند. در مدرسه تعلیم کودکان بزبان مادری، خواندن، نوشتن و انتشار کتاب بزبان آذری و نیز خرید و فروش کتاب‌هایی که در خارج از کشور بزبان آذربایجانی انتشار مییافت و نیز جمع‌آوری فولکلور و ادبیات شفاهی مردم آذربایجان از جرائم سنگین بشمار می‌آمدند.

بنظر میرسد که انتشار «وارلیق» نشانه‌ی پایان چنین ستم فرهنگی است. برغم گزارش‌های وسایل ارتباط جمعی غربی که مبین سختگیری‌ها و تندروی‌های رژیم جدید ایران میباشند انتشار «وارلیق» و فعالیت‌های آزاد «انجمن آذربایجان» نشانگر آن است که حکومت جدید ایران حقوق فرهنگی اقلیت ترک زبان را پذیرفته و آن را محترم می‌شمارد

بتحقیق «وارلیق» بمشابه مظهر «آزادمنشی» مورد استقبال حوزه‌های علمی و ادبی غرب قرار خواهد گرفت

بعداً فهرست مندرجات نخستین شماره مجله وارلیق با ذکر عناوین و نام نویسندگان مقالات ذکر شده و چنین نتیجه‌گیری شده است:

بنظر میرسد که مجله «وارلیق» اثرات قابل توجهی در آینده بتوسعه فرهنگ و ادبیات آذربایجانی خواهد بخشید. بهمین مناسبت من پیش‌گفتار وارلیق را ترجمه کرده‌ام که خود بیانگر اصول و جریان امر میباشد.

شعر زیر ترجمه‌ای است از آثار سهند قراچورلو، شاعر بلند پایه و قهرمان حقوق انسانی و ملی مردم آذربایجان.

ترجمه فارسی شعر سهند:

بطالم بنگر
اندیشه‌هایم ممنوع
احساساتم قدغن
گفتن از گذشته‌ام قدغن
صحبت از آینده‌ام قدغن
یادی از نام پدرم ممنوع
نام بردن از مادرم قدغن
میدانی؟
بهنگام تولدم
ناآگاهانه
در زمانیکه بدان سخن آموختم
سخن گفتن ممنوع بوده، ممنوع

شعر سهند:

طالیمه سن باخ
دوشونجه لریم یاساق
دیغولاریم یاساق
کچمیشدن سؤز آچماغیم یاساق
کله جگیمدن دانیشماغیم یاسان
آت-بابامین آدین چکمه گیم یاساق
آنامدان آد آپارماغیم یاساق
... بیلیرسن؟
آنادان دوغولاندا بئله
ئوزوم بیلیمه بیلیمه
دیل آچیب دانیشدیغیم دیلده
دانیشماغیم دا یاساق ایمش، یاساق!

يازان: جهانگير قهرمانوف^۱

نسيمى دىلى

كلاسيك آذربايجان شعر دىلى ھىچ دە بىردن-بىرە، يالئز بىر عصرين ايجهرىسىندە يارانمامىشىدۇر. اونون چوخ قديم و درين تاريخى كۆك-سرى واردىركى، بونو دا ايلك نوبەدە بوتون **تورك دىللى** خلق لرين مدنى انكشافى ايله علاقمەدە گۆرمەك لازىمدۇر. قديم يازى عنعنەسىنە مالک اولان تورك دىللى خلق لرين ياراتدىقلارى آبيدە لرين اكثرىتى قديم دۇردە و اورتا عصر لردە ھمىن خلق لرين ياشادىقلارى ير لردە گئدن داخلى مبارزە لر و خارجى استىلالار نتيجه سىندە معو اولموش، بىزە گليب چاتمامىشىدۇر. لکن عموم تورك آبيدە لرى حساب انديلەن VI-VIII عصر يازىلى كتابە لرى وتاپىنتلارى تورك دىللى نين قابىللىنى و بودىل لردە معىن شعر اسلوبونون اولدوغونو ثبوت اندىر. معلومدوركى، ھىچ بىر بدىعى اسلوب، خصوصىلە شعر اسلوبى عنعنە مالک اولمادان يارانما يىلمەز و بونون فورمالاشماسى و بدىعى خصوصىت لرى كسب ائتمەسى اوچون اوزون سىناق (امتحان) يولو، تجربه لازىمدۇر.

تورك شعرى اسلوبونون قديملىقى تور كولوگىيادا خىلى مدندن بىرى دۇنە-دۇنە قىدائدىلمە كدەدۇر. لکن تورك آبيدە لرى نين اصىل معناده بدىعى ادبيات نمونەسى اولمادىغى گۆستەرمەك لہ برابر، قىد ائتمەك لازىمدۇركى، اولنارين دىسلىندە كى آخىجىلىق، رىتم و معىن وزىن و ارلىغى ھمىن آبيدە لرين عرب شعرىتىندن آزاد، كلاسيك تورك شعرى نين صاف و تمىز نمونەسى كىمى قىمت لندىرىلمەسىنە امكان وئرىر. اورتا آسيا و آذربايجان اراضى سىندە مسكن سالان قديم تورك دىللى خلق لرين

۱- نىسىمى ديوانى نين لكسيكاسى. باكو ۱۹۷۰.

تماسدا اولماسى، كۆچەرى تورك قىبىلەلىرى نىن دائىمى آخىنى، اولارنىن آراسىندە اولان تارىخى كۆكلىرىن بىرلىسى، تورك دىللىرىندە يارانان تارىخى-ادىبىي آيىدەلىرىن عمومى ليگىنى بىرداھا ثبوت ائىدىر.

تارىخىدىن معلوم دوركى، ھلەمىلادىن اىلك (اول) دۇرلىرىدىن باشلاپ يارقا آذربايجانا آخىن ائدەن تورك دىللى كۆچەرى قىبىلەلىرىن «داھا بىغجام كوتلەلىرى بورايا V-VII و XI-XII عصرده گلەمشىدى» لکن عرب استىلاسىندان اول و اسلامىتىن آذربايجاندا يايىلماسى اىلك دۇرلىرىندە يارانان تورك شعرى نىن، شىبھەسىز، ئوز ثابت اسلوبى اولموش، بو دورون اثرلىرى دە خلق اسلوبونا اساسلاناراق ميدانا چىخمشىدىر. اونا گۆرە دە حتى اسلام دىنى اىلە بىرگە آذربايجان يازىلى ادىياتىنا سرايت ائدەن بدىعى ژانر (نوع) و فورمالار بىلە XI عصرده جانلانماقتا اولان شفاهى خلق يارادىچىلىغىنا چوخ داكسىكىن تاثير گۆستەرە بىلمەمىش خلق خواندەلىرى-وارساقلار، اوزانلار شعرلىرىنى خلق موسىقىي آلتلىرى نىن مشايەتى اىلە ئوز آنا دىلىندە كندىبە كندىگزرەك خەلقە چاتدىرمىشلار. خلق بدىعى شفاهى يارادىچىلىغى نىن آن گۆزلەلە نمونهلىرىدىن بىرى اولان «كتاب دەدە قورقود» داستانلارى محض بو دۇردە يارانان، صونرالار (XV-XVI عصرلردە) يازىيا كۆچورولموشدور.

عرب وفارس دىللىرى نىن تاثيرىدىن نسبتاً آزاد، كلاسىك تورك دىلى نىن صافلىغىنى محافىظە ائدەن ادبىي آيىدەلردن بىرى دە قدىم اوغور دىلى نىن فورمالارىنى ساخلايان اورتا عصر ئوزبەك دىلىندە يازىلمىش مشهور «**اوغوزنامە**» (XII-XIII عصر) اثرىدىر. بو قىبىلەدىن اولان اثرلەر اىچەرىسىنە **احمد يەسوى نىن** (XII عصر) حكمتلىرىنى دە داخل ائتمەك اولار.

بونونلا بىلە، تورك دىللى ادىياتىن ان اورىژىنال (اصلى) نمونهلىرىدىن بىرى اولان، XI عصر بدىعى شعرى نىن گۆر كەلى آيىدەسى «قوتادقوبىلىك مثنوى سىندە ادىب احمد ابن محمود يوكنەكى نىن «عتبەتە الحقايق (Atobetul-hakayik)» XII عصر اثرىندە، **ربقوزى نىن** «قصص الانبىاء» سىندا (XIV عصر)، XI عصرىن گۆر كەلى توركولو قو محمود كاشغرى نىن «ديوان لغات الترك» و على نىن «قصه يوسف» اثرلىرىندە آرتىق عرب و تورك ادبىي مکتەبلىرى نىن و اورتا عصر عنعنەلىرى نىن تاثيرى نظره چارىير.

XI عصردىن باشلاپ يارقا تورك خلقلىرى آراسىندا اسلام و مسلمان مدنيتى تاثيرى نەھجەسىندە كلاسىك تورك دىللى ادىيات محكم موقع توتاراق، صونرالار داھا دا كنىشلىنىپ انكشاف اولاراق دىنى-دەيداكتىك اثرلىرىن اساسىنى قويور و آذربايجاندا دئمەك اولاركى، XIX عصرىن اورتالارىندا قدىمىنە سىنى محافىظە ائىدىر.

بئله ليك له، XI عصر دن باشلا ياراق، بير طرف دن VI-VII عصر لرده يارانميش قديم تورك شعري نين تاريخي عنعنه سي، ديگر طرف دن عرب و فارس ادبي مکتب لري نين تاثيري ايله ميدانا گله يش کلاسيك تورک شعري نين يني نمونه لري اوزلا شاراق قارشيليقلى تاثير نتيجه سينده کتاب ديلسي نين (يازى ديلي نين) گننيشله نمه سينه و انكشافنا امكان يارادير.

XIII عصر دن باشلا ياراق، آذربايجاندا تورک ديلينده سراي (دربار) ادبى تى نمونه لري ايله برابر **حسن اوغلى** كيمي گوركملى صنعت اوستاسى نين سيماسيندا آذربايجان ديلينده بديعى شعرين انكشافى نظره چاربير. قاضى **بوهان الدين**، **تاج الدين ابواهييم احمد** كيمي شاعر لر ين اثر لري بوتون تورک عالمينده انكشاف انده رهك، شبهه سيزكى، بيرينچى نؤبه ده ادبي دائره ياييلير .

XIV عصر ين صونلاريندان ايسه ادبي عالم، **نسيمى** كيمي يوكسهك طبعلى، درين اجتماعى مضمونلو اثر لر مؤلفى يتيشديرير .

آذربايجان ادبى تى نين گوركملى نماينده لر ين دن خاقانى، نظامى، اوحدى بديعى ار نندن الهام آلان نيسي، عيني زماندا XI-XIV عصر کلاسيك تورک شعري نين ده نمونه لر ين دن تاثير لنميش و آناديلينده اثر لري يازميشدير. نيسي نين اثر لري ثبوت اندير كي عصر ۱۴ اينچى کلاسيك آذربايجان ادبى تى نين ديلي بير طرف دن آذربايجانلى خلق ديلينه، ديگر طرف دن کلاسيك تورک ادبي ديلنه و اونون عنعنه لر ينه اساسلانا راق انكشاف ائتميشدير. بورادا کلاسيك شرق، خصوصاً ايران پوئزىياسى نين تاثير يني ده قيد ائتمه ك لازمدير. چونكى کلاسيك آذربايجان شعر ديلي فارس عنصر لر ينه محض بوپوئزىانين تاثيرى نتيجه سينده صاحب اولموشدور. معلوم دور كي، فارس ديلينده يازان آذربايجان شاعر لري نين يار ائتيقلارى ادبي جريانلار ين تاثيري ايله يتيشميش آذربايجان شعري هچ ده بو زمينه دن تجريد اولاراق انكشاف انده بيلمه زدى. داخلى و خارجى ادبي جريانلار ين آذربايجان شعري نين انكشافيندا كي رولونو بير داها قيد ائتمه مكدە اساس مقصد يميز بديعى ديلين و ادبي اسلوبون خصوصيت لري نين فورمالاشماسى تاريخيني تدقيق ائتمه ك ديلي، بو تاثير نتيجه سينده آذربايجان ادبي ديلسي نين کلاسيك دور نده مختلف ديل سيستم لر ينه عايد عنصر لر ين موجوديتيني نظره چار پدير ماقدير. چونكى کلاسيك آذربايجان ادبى تى نين ان گوركملى نماينده لري نين ديلينده بو و يسا ديگر ديللره مخصوص لكسيك (لغوى) واحدلر ين، آر خائيك (كهنه) و يابانچى (بيگانه) فورمالار ين وار ليغى، اونلار ين آذربايجان ديلسي نين ئوز داخلى واسطه لري ايله ياناشى ايشله نمه سي اورتا عصر لر ايچون قانونا اويغون خسار اكر آل ميش و ديل يميز ين لكسيك سيستمي نين فورمالاشماسيندا معين رول اوينا ميشدير.

آذربايجان ديلسي نين گنجميش اولدوغو تاريخى انكشاف يوللار ي نين تدقيقى، ادبى و بديعى ديلين لكسيك تركيبى نين ئويره نيلمه سي ديلچى لبك علمى نين قارشى سيندا دوران آكتوآل (حاضر و فعلى) مسئله لر دن بير يدير. آيرى-آيرى كيچيك حمله مقاله لر، مختلف

يازىلى آيىدە لىرىن تىدقىقنە عايد يازىلمىش كىتابلارداكى يىغىجام بۇلمەلەر نىظرە آلىنمازسا، ادبى دىلىمىزىن لىكسىك تىركىبى تارىخى نىن ئويرە نىلمەسى ساحەسىندە ھلەدە آزايش كۇرولموشدور. ھال ھوكى، كلاسسىك لىرىمىزىن اثرلىرى نىن لغت تىركىبى تىدقىق ائىمك ادبى دىلىن تارىخى لىكسىكولوگىياسى نىن مەھم ساحەلرىندىن بىرىدور. بوجەتدىن عمادالدىن نىسىمى نىن لىكسىكاسى خىصوصىلە اھمىتلىسى دور. چونكى نىسىمى دىلىسى نىن سۇز احتىياطىسى (ذخیره)، اثرلىرىندە ايشلە تىدىبى سۇزلىرىن كىمىتى، وكىمىتى، زىنگىن لغت خىزىنەسى XV-XIV عصر آذربايجان دىلى نىن سەۋىيەسىنى، ادبى-بىدىعى دىلىن امكانلارنى، اونون يايىلما دائىرەسىنى، تاثير قەۋمىنى، اورىژىنالىغىنى وملى خىصوصىتىنى، آذرى سۇزلىرى نىن ماھىتىنى، كلاسسىك اسلوبدا يازىلمىش شەرلردە توتدوغو موقىعنى مەىنلەشدىرمەك اوچون اساسلى مەنبەلردىدور.

آذربايجان اجتماعى فىكىر تارىخىندە كۇركملى يىرتوتان، اونون انكشافىندا بۇيوك رول اوينايدىن نىسىمى ئسوز اثرلىرىندە ايشلە تىدىكى سۇزلىرىلە دىلىن زىنگىنلىكى نىن اساس مەىيارى اولان فىكىر زىنگىنلىنە خىصوصى دقت يىتمىش، سادە سۇزلىرى بۇيوك بىر ايدەيانى تىرم ائىمىش، سۇزلىرى واسطەسى ايلە فىكىر اىنچەلىنى، مەنا چالارلىغىنى، مضمون دىنلىنى كۇستەرە بىلمىشىدور.

نىسىمى نىن دىلى، ائىلەجەدە اونون لىكسىكاسى آذربايجان ادبى دىلى نىن، خىصوصىلە اونون بىدىعى قولونون كىچمىش الدوغو آلتى عصرلىك تارىخى اىزلەمەك اوچون زىنگىن ماتىرىيال وئىر.

نوز الفبامىزە كۇچورن.

منظورى خامنەى

۱- معاصر دورە استفاده دن قالمىش، ادبى دىل اوچون تام آرخالىك

لشمىش سۇزلىرى:

آياق // آياق ← قدح، پىالە، كاسە

اوچماق ← جنت

بىسىرماق ← داددىرماق، اىچىرتەك

استىج // اوسانچ ← بئزىكن، معلول

اىسىسى ← يئىدە، صاحب، مالك

اكشى ← ترش، آجىتما

۱- بوسۇز (كلمە) لىرىن چوغو بوگونكى توركىيە توركچەسىندە عىنا و يا مختصر

دەبىش فرقىلە ھنوز متداول دىر بعضى كلمەلردە بىن دن توركچە سۇزلىرى عنوانىلە صون زمانلاردا رايچ اولموشدور (وارلىق).

اوشماق ← طاماسىماق
 اوشتمەك ← ال چكەمەك، پوزماق، اونوتماق
 اوشنمەك ← چكىنمەك، قورخماق
 اوى ← فكىر، دوشونجە
 باندىرماق ← بولاشدىرماق، باتىرماق.
 چرى ← عسكر، قوشون
 چلب ← آلاھ، تانرى
 بوروشمەك ← چالېشماق، سەي ائتمەك.
 صاغېش ← صاى، حساب.
 صونماق // صونماق ← اوزاتماق، تقدىم ائتمەك، عرض ائتمەك.
 تامو // دامو ← جەنن
 تايىنماق ← سوروشمەك، دوغرو يولدان چىخماق
 قالماش ← دانلاقلى، باشى آشاغى
 قوتلو ← مبارك، اوغورلو، خىيرلى و سايرە

۲- معاصر ادبى دىلەن چىخمىش، لکن دىالکت و شېوہ لردە محافظہ اولونان آرخائیک سۆزلەر:

يازى ← چۆل، صحرا، دوزەنلىك
 اسروك ← سرخوش، كئفلى
 يىگ ← ياخشى
 باى ← زىنگىن
 آيماق // آيتماق ← دئمەك، سۆيلەمەك.
 آل ← حیلە
 آرى ← پاك، تمیز، صاف
 آغماق ← چىخماق، قالخماق، يوكسەلمەك
 وارماق ← گئتمەك
 ياتىرماق ← گىزلەتمەك
 دوش // توش ← يوخو
 اون ← سس و سايرە

۳- معاصر دىلەدە شكىل و معناسىنى دە يېشمىش آرخائیک سۆزلەر: أزوغ ← آذوقە

آلداماق ← آلداماق
آیروق // آیروخ، آیروغ ← آیری، باشقا، ئوزگه، سایر.
اینجینمهك ← اینجیمهك، عذاب، اذیت چکمهك
اویقو // اویخو ← یوخو
بزهش ← اوخشار، بنزهر
یگی ← کیمی
خامو // قامو ← هامی
داشیره ← دیشاری، خارج
تانیق ← تانیش، شاهد
قاچان // ← نهوقت، هاچان
گورکلو ← گوزهل، قشنگ
قانماق ← دویوماق، دویونجا ایچمهك.
قاندىرماق ← دویورماق، سوسوزلوغونو سۇندورمهك.
قونوق ← قوناق، مهمان

ع. منظوری خامنه

يازان: ميرزا ابراهيم اوف

ايكى كتاب

آذرى خلقى نين اسكى داستانلاريني و قومي عنعنه و قهرمانلىقلاريني يازان و دنيا شاه اثرلريندن صاييلان **دهده قورقوت كتابى** بۇيوك خلق شاعرى مرحوم قاراچورلو (سهند) طرفيندن بير كتاب شكلينده شعره چكىلميشدير. سازيمين سۇزو آدلانان بو كتاب شاهين فاشيست رژيمي نين غير قانونى ياساقلارى آلتيندا چوقلى زحمتله چاپ اولموش لكن كتاب لايق اولان وجهده ياييلايلمه ميشدير. نئجه كي **دكتور جاويدين نمونه هاي فولكلور آذربايجان** كتابى دا بو قاعده دن مستثنا قالماميشدير. بونونلا بئله توركجه دانیشان ديگر مملكت لرده بو قيمتلى كتابلار اوخونموش، تدقيق انديلميش و اونلارين باره سينده كۆزل مقاله لر يازيلميشدير. آذربايجان شوروى نين بۇيوك يازيچى سى و (شورالار علمى آكادىميا) عضوى سراپلى **ميرزا ابراهيم اوف** اينجه صنعت وادىيات روزنامه سينده بو ايكي كتاب حقينده علمى، تدقيقى بير مقاله يازميشدير. بو مقاله اوخوجولاريميزا، بو اثرلر باره سينده، خلاصه و لكن فايدالى معلومات وئره جكددير.

ايكى كتاب

بيرى آچيق چهره يى، اوپيرى تند نارنجى ايكي كتاب.

انسانين كۆز وئنده، اوره كينده، اوخشا يان فكرينده رومانتيك خياللار اوپادان بو ايكي كتاب جنوبدان و جنوبلى باجى قارداشلاردان بيزه هديه دور. بلى بئله گمان ائتمه كه حقير وار. بو ايكي كتابى يالنيز نشر ائندلردن ديپل بوتون خلقدن عزيز و قيمتلى بير تحفه كيمي قبول ائتمه كه يانيلماليق، چونكه بو كتابلارين ايكي سيده خلقين حياتى و روحى ايله باغلي دور.

اونون اخلاقين حيات آنلايشيني ايفاده ائدير. ائلين معنوی ثروت خزینه سیندن کؤتور ولمیشدور. مراقلیدورکی، کتابلار بیر بویدا بیر ئولجیده دور. تقریباً صفحه لربن سایدا عینی دور. بیرى ۲۸۰، او بیرى ۲۸۸ صفحه دور. بیرى نین اوستینده «سازمین سۆزی» او بیرى نین اوستینده «نمونه های فولکلور آذربایجان» (آذربایجان فولکلور لریندن نمونه لر) یازیلیمیشدیر. بیرى نین مؤلفی قراجه داغی «سهند» ایکینجی نین مؤلفی دکتر سلام اله جاوید دیر. کتابلارین ایکسی ده گۆزهل یاراشیقلى دیر. الده توتوب اوخوماق ایچون الونریشلى دیر. گۆرونور بونلاری نشر ائندلر اینجه ذوقه مالک یوکسه ک فکیر لر له یاشیان آداملاردی.

اونلار روحا، قلوباخلقین تارایخیندن، مدنیتیندن، گنچمیش و کله جگیندن الهام آلمیشلار. خلقه مراجعت ائتمیشلر.

سهند ئوز موضعی و موتیولرینی آذربایجان خلقی نین ۷۰۰ اول یارانمیش «دهده قورقود» داستانلاریندان گؤتورمیشدور. جاوید ایسه فولکلور دان نمونه لر توپلامیشدور. هراکی مؤلف خلقین یاراتدیغی صنعتی و اونون مترقی صحنه لرین محبتله ئوگرنمیش یاخشى نمونه لرینه حساس اوره گله یاناشمیشلار. سهند بو اساسدا پوئمالار یازمیش جاوید ایلك منبعلى توپلامیشدیر. چوخ فایدالی ایشدیر. خلق صنعتین گنچمیش پارلاق اینجی لرینی یئنی نسل لره چاتدیرماق همده مترقی جهتدن عصریمیزین فکری مندرجه سی ایله آشیلا یاراق چاتدیرماق علمی و تربیه وی اهمیتله مالک دیر.

گنچ لرین ساغلام و دوزگون تربیه آلماسینا کؤمک ائدیر. دوغما خلقه و انسانلیغا کؤمک ائدیر.

شاعر سهند قره جده داغی «سازمین سۆزی» کتابیندا «دهده قورقود» داستانی نین اوچ بویونی شعره چکمیشدور. لکن شاعر داستاندکی معلوم حادثه لری ساده جه اولاراق وزنه و قافییه دوزه رهک میکاییکی شکلده تکرار ائتمیشدور. او داستانین هومانست و روحیه سینی و مندرجه سینی انکشاف ائتدیرمیش بوگونگی انسانین مبارزه لری و آرزولری ایله آشیلا میش دور. حیات حقینده، انسان حقینده بیر سیرا قیمتلی فکرلر سؤیله میشدور. اصلینه باخانداسهند اورتا عصر لر آبده سی نین اوچ بویى اساسیندا بوگونگی زمانه روحینده اوچ پوئما یاراتمیشدور. بو پوئمالاردا «دهده قورقود» قهرمانلاری نین حیات و مبارزه سی نین شرایطی دانیشیغی کیمی و سایر یوکیمی خصوصی کولوریتی (گوزللیک و مزیتی) حس اولونور. عین زماندا معاصر لیک و قوتلی و طنپور لیک روحنه مالک دور.

شاعر وطنی سؤویر، خلقین سؤویر، اونین طبیعتیندن طبیعی گۆزه للیک لریندن قهرمان گنچمیشیندن تاریخده سیلینمه ز ایز بیراخمیش بؤیوک آداملاردان الهام آلیر. اونلاری محبتله یساد ائدیر. یاغیلری دشمنلری بیزیکدیره ن آتروپات بابک، کوراوغلی کیمی

قهرمانلاردان معرفتله دنيا ميذا ايشيق ساچان نظامی، فضولی و واقف کیمی بۇيوك شاعر لردەن سۇز آچير. زحمتكش انساندان مەجبت لسه دائيشاراق اونون گونش آلتيندا يانيب قارالميش سيماسيندا معنوی روح تميزليگي نى يازميش گۇرور.

داغدا داشدا گون قاوورميش

سيمالرده صافليقلارين

يازشنمی پاريلتیلی

ايشلتسين باخيب گۇرهك البته خلقين قهرمان گنچميشي ايله مدنيتي معنوی ثروتلری ايله فخری طبيعیدرونطپوروليك دويغوسى نين بيرتظاھريدور. لکن بعضا خلقين بوگونگی دنيا سينا و ياراديجی قوه لرینه اينانميان اونا بديين باخان پسيمستلرده گنچميشه مراجعه ائديرلر. اونلار بوگون نه ياخشى بير شاعر نه ده جسارتلی بير و طنداش نه ده بۇيوك بير عالم و دولت خادمی تانيماق ايستمه ميرلر. اونلارا ائله گليركى، هريانى قورخاخلار سيماسيلار بوروميشدور. گنچميش ايسه باشقامستله هارا باخيردين بۇيوك شاعر بۇيوك عالم قورخمايان قهرمان مردوجسورايگيدلر. خلقی بوگونكى مبارزه لرینده روحلانديرماق اونون گله جهك اميديني آرتيرماق ايچون بوگونكى آداملارين گويا وجهسيزوكرسيز آداملار اولديغی نى ثبوت ائتمك گنچميشين بۇيوك سيمالاريني يادا ساليرلار. سهندايسه گنچميشي اونا گۇره يادا سالير، گنچميشين بۇيوك سيمالری، ئولمهز قهرمانلاری اونا گۇره ترنم ائدير كى، خلقين بوگون ياشايان مبارزه ائدهن اوغول لارينا و قيزلارينا اينانير، اونلارين بۇيوك و تاريخی ايشلره قادر اولديغينا امين دور. او هر آچيق اوزده انسانا دوز باخان هر پارلاق گۇزده قهرمانليق و بۇيوكليگي گۇرور و بونی گۇرمكه چاغيرير.

آچيق آيدين ياراشيقلی

آلينلاردا ايگيدليگي

اگرى قلينچ شعشلهلی

پاريلداسين باخيب گۇرهك

سهندين مترقى گۇروشلری و طنپوروليك دويغولاری قادينلا مناسبتده خصوصی قوتله ميدانا چيخير. او، قادين اگلنجه کیمی، قول کیمی باخان جمعيتدهن نفرتله ياد ائدير. قادی نين و طنداشليق حيشيتتی مءافعه يه قالدخير. قادينی داهيلره، قهرمانلاراسود و ئرميش مقدس آنا کیمی عینی زماندا آزادليق و سعادت اوغريندا مرد مبارز کیمی ترنم ائدهرهك يازير.

باخ عصرلر آنا قادين

بودنياداحقسيز جه حقسيز

بير قول کیمی، مطاع کیمی - آلوتر اولوب ساتيلمشدور.

كيشيلرين اللرينده
ده گرسيز بير دستمال كيمي
ال-ال گزيب لكه له نيب
بير طرفه آنيلميشدور.

شاعر آذربايجان قادينلاري نين ظلمكار جمعيت لرده نوسوز آغير وضعيتي ايله هئچ بير زمان راضيلا شماديغيني ايچهريسيندهن عاقيللي استعدادلي شاعره لر و مرد قهرمانلار يئتيرديگيني سؤيله بير. بيزيم داستانلاردا كي قوچاق قادين صورتلريله ياناشي كوراوغلي نين نگاري، نبي نين هجري گنجهن عصرين آخيرلاريندا تيريزده خلقين اعتراضى چيغيشلازينا باشچيلىق انتميش «زيب پاشانى» يادا سالير. يادا سالير كي، يوردوموزدا كالاغاييسنى يسان باغلايان تارلالاردا، هر هنرده، هر ياريشدا ايشيقلى بير مايك كيمي دنبالارا ايشيق سالان قادينلار گورور و بله لرلر مينلرله ازيلنلر ايچون نمونه اولديغنى و اونلاري خوشبخت گله جهك اوغريندا مبارزه روحلاندغيغنى يازير.

قادينليغين، آناليغين
يورفون گوزي، توتقون باغري
اونا باخيپ قورتولوشا
يول آختارير، الهام آلير.

سهند آذربايجان خلق ديلينده كلاسيك و معاصر آذربايجان شعرلريندهن ياخشى استفاده ائدير. فكري افاده ايچون ساده و معنالى دويغون آذربايجان سؤزلري توتارلي آذربايجان افاده لري تاپير. دوغرودور بعضا يئرلينده دئيلمه ميش مصرعه و زنى دولديرماق ايچون يول يول وئريله ن سؤز تكرار لارينا راست گليريك. لکن اساسا شعرلرين ديلي اوبناق، طبعي و شيرين دور.

شاعر دولقون رئاليست تشبيه لرله يا ناشي آراسيرا رمزي افاده لره ده يول وئير كي، بونسيز حقيقي پوئزيانى تصوير ائتمهك چتيندور.

«ايشيق» سؤزين او بير نئجه يئرده گوزل رمزه ايشله دير، خلقين قديم تاريخي تصورلري و عنعنه لري ايله باغلاياراق اونا اجتماعي معنى وئيرير.

هله ده هله ده بيزيم يئرلرده
ساده انسانلارين آندى چراغ دور
خلقين آراسيندا، كتده؛ شهرده
مقدس يئرلرين آدى اوچاق دير

ماراقليدور كي، «ايشيقي» انسانين يوكسهك ايده يالاري نين، شرقي فكري نين رمزي كيمي ايشله ديركن سهند ستويملى شاعريميز صمدوورغونى خاطر لاديپ يازير.

قوی بونی سۆیله بیم ائل «وورغونوندان»
سانما یین مقصدیم بوش یاراشیقدر
دالینجا سۆیله میش او، ئولمه ز انسان
دنیادا ان بۆیوک قوت ایشیقدر.

«سازیمین سۆزی» کتابیندا هم فارسجا وهمده آذربایجانجا ییغجام مقدمه یازیلیمیشدیر.
آذربایجانجا مقدمه نین مؤلفی (م.ع.ف) شاعرین یاردیجیلیغینا یوکسهک و دوزگون قیمت
وئریر. اونون خلقه و تویراغی ایله باغلیلیغینی اثرلری نین بیر سیرا قیمتلی اجتماعی
موتیولرینی قید ائدیر. او یازیرکی شاعر منظومه لرین هر سطرینده، هر صفحه سینده ئوز
آنا یوردینی سووه ن ئوز دوغما خلقینه اینام بسله یه ن ئوز شانلی تاریخینه گووه نه ن بیر
هنرمند کیمی گؤرولمکده دیر.

بورادابیز بوش مایخولیا لر وخلق حیاتیندا یادگور و نمه لرله یوخ، بلکه خلقیمیزین
تاریخ بوی پارلامیش پارلاق سیماسینی گورور، اونون آلولار پوسکورهن و روح جوشدیران
حماسه سینی ییغجام سوزلر قالیبیندا بیر آذربایجان اوغلو نین دیلینده ن دینله بیریک.
«آذربایجان فولکلورلرینده ن نمونه لر» کتابیندا فارس و تورک دیلینده « یازیلیش
سببلی» آدلی کیچیک مقدمه ایله باشلانیر.

جاوید نه ایچون بو ایشه اقدام ائتدیگینی مقصد و غایه لرینی آنلادیر. معلوم
اولورکی، بونون سببی هر شئیده ن اول اونون جمعیته، خلقه خدمت ائتمهک هوسی و
آرزوسیدیر. اوزون زمان معلم، حکیم و اجتماعی خدام کیمی مختلف ساحه لرده فعالیت
گؤسته رمیش، جاوید صون ایللر آزادلیق حرکاتی نین گورکملی قهرمانلاری حقیقته عینی
زماندا و آذربایجان دیلینه دایر بیر سیرا کتابلار چاپ ائتیشدیر. سوز یوخ کی، بو کتابلار
معارف و مدنیته خلق کوتله لری آراسیندا یایماغا و اونلارین فکرینی ایشیقلا ندیرماغا
فایده لیدیر. جاوید بو ایشی دوام ائتدیرمه گی گئنیشله ندیرمه گی ئوزینه اجتماعی
وظیفه بیلیر.

او یازیرکی، «بیر مدتدیر کی، اجتماعی خدمت زمینه سی اولمادیغی ایچون کتابلار
یازماق مشروطه خادملری نین ایشلرینی داها آشکارا چیخارتماق و آذربایجان فولکلورلرینی
خلق خدمت بیلیب انتشارینا چالیشیرام.

بئله بیرنجیب و خیرخواه مقصدله حرکت ائده ن مؤلف آذربایجان شفاهی
ادیاتی نین آتالار سوزلری، بایاتیلار، داستانلار، شریقلر، او یونلار، قارا ولیلر و سایره
نوعلرینده ن بعضی نمونه لرینی تو بلا یب چاپ ائتمهک اغیرلیغینی و چتینلیگینی نظره آلساق
مؤلفین مفید زحمتینه انصافلا قیمت وئریم چوخ فایده لی ایش گوردیکی نی دئمه لییک.
کتابدا چاپ اولونمیش نمونه لری نین بۆیوک قسمی سویت آذربایجان اوخوجولارینا چوخدان

معلوم دیر. چونکی سویت آذربایجاندا خلق یارادیجیلیغی خیلی مدت درکی، مشکلی شکلیده ئویره نیلیر. بو ایشه کلی مقدردا دولت واسیطه سیله امک صرف اولونور. علملر آکادیمیسی نظامی آدینا علمی تدقیقات ادبیات و دیل انستیتوندا خصوصی فولکلور شعبه سی منظم اولاراق خلق ادبیاتی نمونه لرینی توپلاماق، ئویره نیب تدقیق ائتمه ک، چاپ ائدیپ یایماغلا مشغول دیر.

جاویدین کتابی نین قیمتلی جهت لرینده ن بیرى اودورکی، ایراندا و جنوبی آذربایجاندا سون ایللر خلق یارادیجیلیغی ئوگره نمه گه ماراقین آرتدیغی نی گؤستره مگله معین درجه ده بو احتیاجی ئوده بیر. عینی زماندا فولکلور بیرسیرا یئرلی نمونه لرینی احاطه ائدیر. کتابدا تاہماجالار، مختلف اویون و آینلر و حکایه لر بؤیوک یئر دوتور.

جاوید نمونه لری توپلایوب چاپ ائدره کن اونلارین حقیقته دئیلدیگی شکلده ساخلاماغا چالشیر. قوندار ماچیلاردان و صنعی اوسلوبلاشدیر مادان قاچمیشدر. بونا گؤره ده نمونه لرین اکثریتی خلقده اولان طراوتنی معنا دولغونلیغینی فورما اویناقلیغینی ساخلامیش دیر. مثلا چراغ باره ده کی تاہماجا گورون نه قدر گؤزل دیر.

من منیچه منده ن اوجا کورسی بویونجا کورسیده ن اوجا گورونورکی، بو تاہماجادا گچمیش معیشتین معین بیر خصوصیتی یاخشى و عینی شکلده عکس اولونمیش دیر. یا خود مارال بویونوزی باره ده نه قدر اویناق دئیلمیش دیر.

من عاشق بو داغ آتار بو داغی او داغ آتار
توپراقسیز یئرده بیتیب یاپراقسیز بوداغ آتار

معلوم دیرکی، معاصر بدیع تفکرون بیر سیرا فورمالارین باشلانغیجینی خلق یارادیجیلیقیندان گوتورور آذربایجان فولکلورینده حالیندا ائله قیمتلی ائله معنالی اویناق فورمالار وارکی، اونلار انکشاف ائدیرسه بوگونکی بدیعی یارادیجیلیقلاردا ماراقلی حادثه لر باش وئره بیلر.

خلق تفکری همیشه حیاتلا باغلی دیر. انسانلارین یاشایشی و معیشتینده ن غذا آلیر. اونلارین مادی و معنوی عالمی نین مختلف جهت لرینی عکس ائدیر. آذربایجان فولکلوریندا بو مثلر گوجلیدیر

فولکلوریمیزده خلقیمیزین تاریخ بویى راست گلدیگی چتینلیکلر، فاجعه لر، دردلسر یاناشی و اونون حیات عشقی مبارزه روحی حیاته وارلیقا، نیک بین مناسبتی طبیعتده اولان یومور و ساتیر ادعکس اولموش دیر.

جاوید خلق یارادیجیلیغی نین بوجه تینه ده دقت وئرمیش و بیر سیرا گؤزل نمونه لر کتابینا داخل ائتمیش دیر ناغیلار و اوشاق اویونلاری آدلانان دؤردینجی بؤلومده کی چوخ کیچیک ولی معنالی مقدمه سینده جاوید خلق آراسیندا کی ناغیل سؤیله ینلر دن و ناغیللاردان

دانشیر. بورادا او حقلی اولاراق قید ائدیرکی، خلق آراسیندا چوخ زمان ناغیلی معین بیر مقدمه ایله باشلارلار و مقدمه آذربایجانین بعضی یئرلرینده ناغیللار یاراشیغی» یاخود «دوشمه» آدلانیر.

«ناغیللار یاراشیغی» بیر قاعده اولاراق چوخ گولمه‌لی نیک بین با مزه اولور. اوراداکی یومورو سبک و ساتیریک افاده‌لر فکر و سؤز تضادلاری معین اجتماعی خسته لیکلره و انسان قارینده کی قصورلارا قارشی چئوریلیر. بو جور ناغیللاریاراشیقدان بیر نئجه سینی جاوید داخل ائتمیشدیر. اونلاردان سچیوی اولان بیرینده اوخونور.

«سیزه هاردان دئیم آز دانیشانلاردان قارا دینمه زلردن، یئرہ باخانلاردان سویی لام آخانلاردان» هورمییهن ایتلردهن، اولامییان چاققاللاردان، دهیمه دوشرلردن، کوسه ینلردن، غصه یتیه نلردن، اوغورلاردان، یالانچیلاردان، وفاسیزلاردان، بهتانچیلاردان، اوغور سیزلاردان، ایلغارلاردان دونلردن بزو مینیب چای گنچه نلردن، خوروز بئلینده بوستان اکلردهن، لعنت قویروقلو یالانا، رحمت قویروقسیز دوزه، آلقیش یازانا، قارقیش پوزانا، سؤزقالسین انسان گئتسین، دوست وار اولسین، دشمن خوار اولسون ایندی گنچهک مطلبه».

هر دور، هر حیات فولکلوره معین ایزلر بوراخار آذربایجان خلقی نین حیاتیندا، ۲۰ عصرده باش وئرمیش بؤیوک حادثه‌لرده بیزیم خلق یارادیجیلیقیندا معین درجده عکس ائتمیشدر. جاوید مسئلهیه بوجهته‌نده خصوصی دقت وئرمیش و انقلابی مبارزه لر حقیقته مخصوصاً مشروطه حرکاتی باشچیلارینا عاید بیر سیرا روایتلر و شفاهی حکایتلر توپلایوب کتابا داخل ائتمیشدر. اونلارین ایچینده آذربایجانین بؤیوک اوغلی انقلاب حرکاتی نین گؤرکملی خادمی سردار ملی ستارخان حقیقته «قوچاق ستار» و آزادلیغی هر شئیده یوکسهک توتان آجسینیز، سوسیزسینز، آزادسینز حکایه‌لری مخصوصا ماراقلیدیر و معنا لیدر. بو حکایه‌لر خلقین آزادلیق آرزولاریندان آزادلیق عشقی و هوسیندهن دانشیر. آزادلیق دشمنی اولان مرتجع‌لردن انسانلیقا ضد ضد حرکتلری پیسله‌نیر اونلار رئالیست حکایه‌لر دیر.

دؤر و محیط انسان کارکنترلری و حادثه‌لر رئالیست بویالارلا تصویر اولونور لکن عینی زماندا اونلاردا، ناغیلاردا خصوصی شرطلیک مبالغه‌لرده ئوزونی گؤسته‌ریرکی، بودا اونلارین خلق یارادیجیلیغی نمونه‌لری کیمی قیمتله ندیرمکله اهمیت قازانیر.

«قوچاق ستار» حکایه‌سینده ستارخانین اوشاخلیغی محیطی باره سینده ماراقلی معلومات وئریر. اونون بؤیوک قارداشی اسماعیلین گنچهن عصر کرم ونبی کیمی قاچاقلاردان اولمیش قاچاق فرهادلا علاقه سیندن دانشیر. اسماعیل قاچاق فرهادا کؤمک ائتدیگی ایچون قاچار شهنه‌لری نین امریله تبریزه گتیریرلر تبریزده اونون باشین کسیرلر.

بو حادثه ستارخانا آغیر تاثیر گؤسته‌ریر. اونون قلبینده مستبد حاکمله و ظالم‌لره قارشی ابدی نفرت یوخسوللارا ایسه ابدی محبت او یادیر. حکایه‌ده ستارخانین انقلابی

مبارزه لرده كى قوچاقلىقى تصوير الونور. گۇستەرلىرىكى، خارچى ملتيرين آزادىخواهلارى
 گر جيلرين، ارمنيلرين، توركلرين مجاهد دسته لرى ستارخانين گۇمگينه گلмышدى.
 سيز هر ايكى كتابين مسزيتين آنجاق كىچىك بير حصه سيني گۇردىز. اينانين كى،
 اوخوجولار بيزيم ايله شريك اولاجاق و اونلارين مؤلفلرينه موقىت آرزو انده جهك لر.
 اسف كى، هر ايكى كتاب سايسيز، حسابسيز سهولرله دولودير. خصوصا دورغو اشاره
 لرى يثرينده ده ييل. قطه لر و وئرگوللرينده اشاره لرى صحيفه لرى دولديريب. «سازيمين
 سۇزىنده ايسه ۱۲۰-۱۴۵ صفحه لرينده بۇيوك دولاشيچليقا يول وئريلمىش.»
 درسەخان اوغلى بوغاج «پوئماسى نين بير چوخ بندى نىچە دفعه تكرر چاپ
 اولراق اوپيرى بندلرى بيراخيلديقدان پوئمانين آردىچيلىغى پوزولمىشدر.
 بو قصور لارينا باخمايaraq تكرر ا قىد ائتمه لىيك كى، كتابلار فايدالى و لازمليدير.
 مؤلفلرين خلقه وطنه خدمت ائتمهك، اونين ترقى و اونون يۇكسه ليشينه كۇمىك
 گۇستهرمه لكىمى نىچىب نيتين افاده سىدير. بيز حياتين استعدادنى بۇيوك غايسه لره حصر
 ائتمىش مؤلف لسه همچنين جنوبداكى ديگر ضيالى دوستلارا باجى و قارداشلارا سلام
 كۇنده ريب و سعادت آرزو ائديرىك.

يازانی: عباس اشراقی

دده قورقوت کتابینین چاپینا بیر انتقاد

دده قورقوت حکایه لری، هیچ شبهه سیز، تورک ادبیاتینین، و آذری تورک ادبیاتینین ان اؤنملی^(۱) اثرلریندن بیریدیر. سیگفرید داستانی آلمان دیلی ایچین نه ایسه، دده قورقوت دون کتابی دا تورکلر ایچین اودور. بوائز بؤیوک دنیا داستانلاری بو آرادا بیئو وولف (Beo Wulf)، کالیوالا (Kalevala)، دانته، شهنامه و بنزرلریله بیر دیرده سایلمیشدیر. محرم ارگین دیر:

«دیل باخیمیندان دده قورقوت تورک دیلینین مقدس کتابی دوروموندا دیر^(۲)». بو کتابین حکایه لری قهرمانلیق روحوموزو جوشقون بیر دئییشله دیله گتیرن، ادبیاتیمیزین باش اثریدیر

بو کتابی آقای فرزانه دن (ناشر) آلا رکن، صوروشدوم: «اصیل متن نه امین قال میسینیز؟» بیردو نیا گونله چاپدا اصیل متنه امین قالماقلارینی بو یوردولار. چوق سئویندیم کی ایران تورکلری بؤیله کلاسیک اثری اصیل متنده اوخویوب و مراقلا نا جاقلار. مع الاسف ناشر یئنی املائیه چاپ ائله مک عنوانیه بو کتابین اصیل سؤزلرین دئییشدیریب و اونلارین یئرلرینه بوگونکو لهجه ده تلفظ اولان تایلارین قویوبدور. مثلا ایکی افست اولونموش کتابین باشلانقیج^(۳) بؤلومونده اولان یاپراقلاریله اونلارین چاپ اولونموش لارین متنده توتوشدور ساق گؤروروک اصل متنده کی «یقین» کلمه سی «یاخین» چاپ اولوب. اولایلیر کی اوچاغدا^(۴) «یاقین» کلمه سی نی «یقین» یازار میشلار، چونکو سسلی حرفلر یازیدا بعضی یئرلرده یازیلمازیمیش. اما «خ» حرفی بوگونکو دانیشیق دیلیمیزده «ق» پثرینه ایشلندیگی تکین ایشلنمزیمیش. بو ادعا ما فضولیدن شاهدلریم:

گلزار مدحنه اوچاریکن گۆنول قوشی جان بلبلی بوشعرتی او قودی همان

آلدى السنه تمنى بهرام دادگر باروی چرخه چیقدى نبردايمتگه همان

نوله چشم تر ایله چیقسه حبس خاکدن نرگس

نوله گر چیقسه یعقوب بلاکش بیت الاخراندن

ناشر گۆردویوموز «یقین» تکین مینلرجه کلاسیک کلمه لرین یثرینه بوگونگو تلفظ لرین چاپ ائدیبدیر. بوايش البته کتابین دیرین یونگولله دیبیدیر. ناشرلریمیز گرگمز قدیم کتابلارین چاپیندا قدیم تلفظلری یثنی تلفظلریله دئیشتمکله بیزیم ادبی میراثلاریمیزی پوزالار. حتی معاصر یازیچی وشاعرلریمیزینده یازیدا قدیم ادبی اثرلردن، لفظ وگرامرده متابعت ائتملکری لازیمدیر. بویولی بویوک معاصر آذری تورکجه سی شاعری ئوز. شعرلرینده بیزلره آچقلا ییر. مثلا بویوک آیدینیمیز شاماخی لی اولاراق، ئوز شهرینده «چیقدی»، «باخینیز» و «یوخ» دانیشیقدا ایشلته رک، ادبی تداوم ایچین بو سۆزلری آشاغیدا کی شعرلرینده «چیقدی»، «باقینیز» و «یوق» ایشلتمیشدیر:

چیقدی میدانه ملقب کیشیلر بختورلر هامی اعیان اولدی

ایشته ستارخان باقینیز بیر نوعی اقدامات ائدوب

بیر وزیر و شاهی یوق! دبنانی یکسرمات ائدوب

صابر تکین معاصر پارلاق آذربایجان تورکجه ادبیاتینین اولدوزلارینین شعرونشده بیله بیله اۆزلرین لهجه توتساقلیغیندان قوتالماقلیقلاری آیدینلاریمیزا بیردرس اولایلرکی یازیدا خصوصاً نظم و نثرده کلاسیک ادبیاتیمیزا باغلی قالسینلار تاگنجلریمیزده فضولی و نسیمی گۆسترن یولداچالیشسینلار.

ناشرین یاراماز ایشی اصیل لغتلری دئیشتمکده منی اوقدر یاندریپ کی تئزلیقدا اوندان الچکه بیلیمرم. یئنه ده اونون مقدمه سینده گولملی «چقروب» کلمه سینین تعبیرینه قاییدیرام، کی ناشر بو کلمه نی «چیخاریب» چاپ ائدیپ. گۆرک آذری تورکلرینین چاغداش کلاسیک شاعری صابر ادبی دیله صادق قالاراق، بو کلمه نی نئجه ایشله دیر:

«بودیونجه چیقاروب کیف، ائدوب عشرت یاشاسون»

«تاآنین سایه عدلینده بو ملت یاشاسون»

فرزانه نین ان بویوک اوزاقلاشماسی اصیل متندن سس او یقولوغو قاعده لرین بومتده

ایشلتمسی دیر. من سسلی حرفلر اویقونلوقو قاعده لرینی یازیلاریمیزدا ایشلتمه سینه قارشی دئیلم اما بو فاعده لرله قدیم متنلری دئیشتیرمک معنی سیز بپرایشیدیر، و ناشر بو ایشیله بوسوتون کتساین متنین اوقدر دئیشتیریب کی اونو ۱۹۲۰ لردن صونرا سسلی حرفلر اویقونلوق قاعده لری گون باتان تورکلری (آذربایجان و آنادولو تورکلری) آراسیندا گنئبش صورتده قبول اولونموشدور. نمونه یئننه ده صابردن، سسلی حرفلر اویقونلوقو قاعده سی تام صورتده ملاحظه اولونماماسی آشاغیدا کی شعرلر:

سس سالما یاتانلار آییلار قوی هله یاتسون

یاتیمیشلاری راضی دئیلم کیمسه او یاتسون

تک تک آییلان وارسه ده حق دادیمه چاتسون

من سالم اولوم جمله جهان باتسه ده باتسون

سسلی حرفلر اویقونلوق قاعده سیله یوخاریدا آلتینا ج.زین چکدی گیم کلمه لر گرگ بویله

یازیلیدی: یاتسین، وارسا، چاتسین، باتسا، و باتسین.

وارلیق

بیز آقای عباس اشراقینین دده قورقودون چاپی حقیقنده یازدیقلاری انتقادی باخیشی آلدیغیمیز سیرادا، آقای فرزانه نین بو باخیش بساره سینده نظرینی بیلمک ایسته دیک. آقای فرزانه دن آلدیغیمیز نظری آشاغیدا قید ائدیریک:

آقای اشراقی و باشقا وطنداشلارین دده قورقود داستانلارینین چاپ اولماسی ایله رابطه ده گؤنردیکلری مکتوبلارهرشیدن اول اونلارین ئوزملی دلیل، ادبیات وفرهنگلرینه بسله دیکلری علاقه وقایغی دان سرچشمه آلیر و بونا گؤره ده اولسدوقجا تشکره و حرمته لایقدیر. و اما آقای اشراقینین «مع الاسف ناشر یئنی املا ایله چاب ائله مک عنوانیله بوکتابین اصیل سؤزلرین دئیشدیریب و اونلارین یئرینه بوگونکو لهجه ده تلفظ اولان تایلارین قویپدور» سؤزلرینده خلاصه ائدیلمیش انتقادی باخیشی حقیقنده آرجا توضیحه احتیاج وار.

هر شیدن اول دئمک لازیمدیر کی، بوچاپا حاضرلانا متنده «کتابین اصیل سؤزلری» اصلا دگیشدیریلهمیب و اونلارین یئرینه بیردانا دا اولسون «غیراصیل» سؤز قویولما ییب. بلکه کتابین املاسی هر بیر عادی اوخوجویا راحت وال وئریشلی اولماق مقصدیله بوگونکی املا اسلوبینا یاخینلاشدیریلیمشدیر. البته ایراد ائتمک اولار کی بیر علمی- تنقیدی متنده حتی بله بیردگیشیکلیگه ده یول وئریلمه مه لیدیر و اثرین بوتون خصوصیتاری او جمله دن یازی اسلوبی دا عینا ساخلانیلما لیدیر. بوراسی دا دوغرو دیر. آنجاق چاپ حاضرلانا

بو متن بئله بىر علمى-انتقادى متن دگىلدر. بئله بىر متن ايللر اول حاضرلانمىش لکن تاسفله مقدمهده اشاره اولدوغى كىمى حادثه لرده آزادان گنتميشدر... ايندىكى متن اساسدا آذربايجانليلارى و عموميتله ايران توركلرينى بو بۇيوك و مئلسيز اثرين عمومى مضمون و محتواسيله تائيش ائتمك ايچوندر. عين حالدا كتابى بوگونكى يازى اسلوبيله وئرمكده ايكى مسئله ده نظره آلينىميشدر:

بونلاردان بىرى دده قورقود داستانلاريله مشغول اولان عالملرين عملى تجربيه سيدر، بئله كى بونلاردان بىر چوخلارى كتابين انتقادى متنىنى حاضرلايدقدان صورائونو خلق كتله لرئين باشا دوشمه سينه ال وئريشلى اولسون ديهه بوگونكى ديله كؤچورموش واوندا اولان تكجه يازى اسلوبى يوخ هابئله بىر چوخ «سؤزلىرى» ده دگيشديرميشلر. بونا نمونه اورخان شائقين، محرم ارگينين و حميد آراسلئين حاضر لادىقلارى متلرى مثال كؤستمك اولور. ايكىنجيسى خلقيميز اوزون ايللر بويى ئوز مىللى فرهنگ و مدنيتندن اوزاق دوشديگى ايچون حتى ئوز آنا ديلينى بوگونكى يازى اسلوبيله اوخوماقدا چتيليكلر چكير... آرزو انديريك خلقيميز ئوز مىللى وارلىقى ايله آرتيقدان آرتيفاتائيش اولسون و بو آزادا علم و ادب خادملريميز ادبى-فرهنگى ارئميزين اونلار جا علمى-انتقادى متلرينى حاضرلايمايلىسيلر...

«دده قورقوت كتابى» نين يايىنلانماسى مناسبتيله

دده قورقوت خوش گلميسن

ايللر بويو كؤزله ديگيم
دده قورقوت خوش گلميسن
بوللاريني ايزله ديگيم
دده قورقوت خوش گلميسن
سن بو ائلين اوجاغى سان
ائويميزين چيراغى سان
اوره گيميز قوناغى سان
دده قورقوت خوش گلميسن
سن كئچميشلر «سهندي» سن
افسانه لرين قندى سن
اوزان* لارا افندى سن
ائلچين اوغلون سويون سؤيله
«عاشيق حسن» بويون بويلار
قوجاقشم تعظيم ائيله
دده قورقوت خوش گلميسن

بهرام- ائلچين ۵۸/۵/۲۴

* اوزان (عاشيق)

حرمتلى وارلىقىن ئىخپىر يە ھىتتىنە آلولى سلام :

سىزىن بوراخدىقىز ايكى شماره كۆزل نىرىيە علائە داراولاراق دوامىزى آرزولايىرام ئوزوم شاعر اولمادىغىم حالدا وطنىم درىن كدرىن، دىلىمىزە اولونان ظلم لردن و ائلىمىزە كئدن اجحاف لاردان احساسىمى شعرە اوخشارفكرىمە تجسم ائدىب سىزە كؤندر دىم. عزيز دوستلار من دىل قسايدالاريزا ياخشى تانىش دگلم و بو نقيصه مندن آسىلى دگىل بلكه مدنيت مىزە كئدن چتىنلىك لره باغلى لىقى وارلاكن من امينم وطنىمىزىن كؤزل اينجه صنعت خادملرى اولان يازىچى و اوستادلارى و شاعرلرى وارلىقا كؤندر دىگىم دسته كالون تىكان لارىن، صولموش ياپراقلارىن ئوزهنرلىرى تائىرى آلتىندا الكدن كئچىردىب صونرا قبول ائدە جك لر و اونا ئوز گل قابىلارىندا ير و ئره جكلر ، اولسون كى گله جك دە نىرىه نىزە ياراشان گل لرىن دوز بچرىلمە سىندە بؤيوك رول ايفا ائدىب و ھابئله استعدادلارىنن انكشافىندا .ائىر بوراخسىن.

سىزە آرتىق موفقىت لر آرزولايىرام كوش

وارلىقا آلقىش

چىخدىن تا كوش دە چىخا ائل لره
ائل، اوبى وارلىقى دوشدى دىل لره

ئولكەمىن ھر ىرى قانلادولموشدى
الھام وئردى منە چىخىشون سنون

گىزلى آخان ياشى كؤزومدن سىلدىم

آلقىش سنە وارلىق، دان اولدوزى تك
الھام وئردى منە چىخىشون سنون

بوغولمىشىدى كوش، آيدا صولموشدى
وارلىقىن معناسى اونودولموشدى

وارلىقى كؤردوكدە، وارلىقى بىلدىم

آتلادیم اوستونه آرازدن کئچدیم

خیال قوشوتک بیر مرکب سئچدیم

دئدیم من هاردايام؟ هاردادير ائليم؟
وطن ايگيدلری قاليدور داردا

خیالدا جانلاندى گئچه جك ليريم
ستارخان هاردادير، فریدون هاردا؟

آدسيز قهرمانلار سورگون گئدنلر
آرازدا آختاردیم ائلين صمدین

زنجیرلر، دوسداقلار، بیرده ئولنلر
خیال سورگوسینده مغانی گزدیم

سنون وارلیقوندان چوخ سؤزلر قاندیم
جوشقون اورگیمه سن دایاق اولدون

سانکی یوخو دایدیم بیر آن اویساندیم
آناپوردا وارلیق سن مایاق اولدون

یازدون بهرنگی دن، شهریاردان سن
قوجالار، جوانلا اوخوسون بیر آرز

یازدون سهندیدن، صباحی دان سن
یاز حیدر بابادان ارانی دان یاز

تایا ینی نسل اونو دریندن
وار ائلیمین گؤزل سجیه لری

یاز آنا وطنین کئچمیش لری نندن
گؤستر آینا کیمی فاجعه لری

قوربان اولوم داغلارینا؛ داشینا
هجرانین دردیندن رنگی سارالمیش

یاز آنامین نه لر گلیمیش باشینا
یاز آنامین ساچیندان آغارمیش

آچیلسین ینی دن او باغلی دیلر
قوی نامرد اولانلار ئولکه دن قاچسین

آنا دیلمده یاز اوخوسون ائل لر
گونش پاریلدا یوب شفقتین ساچسین

زندانا آلبینان مرد انسانلاردان
یوردومون چوخ زنگین سلفی واردیر

تائیتدیر اونلارین شرفی واردیر
قانینا بویانمیش قهرمانلاردان

دهده قورقودى دا تانيتدير بيسر آرز
دانش نوز ديلمده آچيلسين ديلم

دانش سن نبى دن، كوراوغلودان ياز
زنگين تاريخىمى آنلايم ، بيلم

يازكى كؤنلومدهكى ياراساغالسين
دانش قوربان اولوم ديلويه سنون

آذر اولادنين باشى اوجالسين
قهرمان ، ئولمهين ائلووه سنون

تاريخ بويو وارلىق، بيرليك، وار اولسون
خلق لر دشمنينه دنيا دار اولسون

آذربايجان ائلى بختيار اولسون
ائليمين قايقوسون بيلن وار اولسون

آزادلىق باھارى ئولكه مه گلدى
شعر يم له خلقىمه سؤيله روم سلام

جلادين قلىبى كؤسوندن دلدى
گونش سونميه جك بودورصون كلام
۵۸/۴/۳۰ گونش

تالار رودکی ده آذربایجان کنسرتی

کنچن آیین ۱۷ سینده آذربایجانلی هنرمندلردن مرکب بیر گروه رودکی تالاریندا ملی و فولکلوریک بیر برنامه اجرا ائتدیلر. بو برنامه ده قاتیلانلار آذری موسیقی استادلاری، خواننده لر و عاشیقلار اولموشلار. بو گروهلارا باشلیق ائدن آقای خلیلی بئش ایلدن بری آذری برنامه لرینی صحنه ده چیکارتماق ایچون چوخ چالیشمیش و بیر چوخ زحمتلره تحمل ائتمیشدیر. بو کیمی برنامه لرین حاضر لائماسینا موافقت و یاردیم ائدنلره باشدا قیمتلی همشهریمیز اینجه صنعت اوستادی و وزارت فرهنگ و هنرین عموم مدیری آقای فرهاد فخرالدینی یه و تالار رودکی نین محترم مدیری آقای حسنی و اونون معاونی آقای دکتر خوشنما خلیمیز آدینا تشکر اتمگی بیر وظیفه تلقی ائدیریک. ارکسترین رهبری آقای صفر علی جاوید ایدی و تارچالارکنده تازی دیله گتیریب هامونی واله ائدیردی. برنامه آذری شاعرلریندن آقای مجیدزاده (ساوالان) نین تورکجه بیر شعريله باشلادی، سونرا ارکستر آذری هوالارینی چالماغا باشلادی و بیرنجه سس صنعتکاری ترکی تصنیف و ماهنی لارینی اوخودولار.

ارکسترده کی ساز صنعتکار لاریمیز بونلارایدی:

تار: آقای صفر علی جساوید، آقای اسکندر موسی پور، آقای بنایی و آقای احمد

مدزاده.

کمانچه: آقای سعید رضانی.

پیانو: آقای صابر ابراهیم پور و آقای بیژن داداشی.

کلارینت: آقای محمود گلیان.

بالابان: آقای مروت امینی و آقای محمد علی عبادی.

عاشق بولوت جواد، عاشیق انشاواالله قلی نژاد.

دف و ناغاراچالانلاردان: آقای علی امینی، آقای لطیف طهماسبی و آقای وحید

اسدالهی (ناغارا) و آقای رحمان اسدالهی (قارمان) .
خواننده‌لر : آقایان آباذر عرفانیان و رشید و طندومت و یعقوب ظروفچی و
ولی قاسمی .

یوخاریدا آدلارینی یازدیغیمیز هنرمندلردن باشقا، آذری برنامهلرینه اشتراك ائدن
دیگر صنعتکار لاریمیزی دا سیراسی گلدیكجه معرفی ائده جگیگ .
امید ائده ریک بوکیمی برنامهلر بیر دفعه یوخ لاقول آیدا بیر ایکی دفعه تجدید
ائدیسین وداها اول دن ده روزنامه لر و رادیو تلویزیوندا خلقه بیلدیریسین .
وارلیق

استاد حبیب ساهر
از مجموعه «اساطیر»

شعر دیار من

زان دیاری که غروب آتشین و جانفزاست ،
زان دیاری که طلوع آفتابش دلکش است ،
زان دیاری که ، بزیر شاخساران ، نیمروز
با یکی گلچهره گیسو سیه بتوان نشست .

زان دیار شعر و افسانه پیام آورده ام ،
کاسه زرین نگاری پر ز می بنموده ام ،
تا بیمایم شما را ، زان شراب ارغوان ،
راههای سنگلاخ و هر خطر پیموده ام ...

ساز من گر نغمه دیگر نوازد ، دوستان ،
ساز ترک است و بسی مرموز و بس جانپرور است ،
لحن شعرم گر نباشد آشنا بر گوش عصر:
این ترانه ، زمزمه از چشمه سار دیگر است .

شب ۱۶ آذر ۳۶

توجه

۱- خواستاران اشتراك می‌توانند مبلغ آبونمان سالیانه (۶۰۰ ریال) را از نزدیکترین شعبه هر يك از بانكها بحساب شماره ۲۱۶۳ بانك ملی ایران (شعبه داریوش‌خیابان بهار) واریز نمایند و رسید آنرا بضمیمه نشانی خود بآدرس مجله (خیابان مصدق-کوچه بیدی- شماره ۱۷-تهران) ارسال فرمایند.

۲- شماره‌های گذشته مجله واریق را می‌توانید از کتابفروشی‌های مقابل دانشگاه تهران تهیه نمائید.

۳- مجله واریق آگهی می‌پذیرد، کسانی که مایلند با آدرس زیر تماس بگیرند.

۴- با کمال احترام با اطلاع خوانندگان عزیز واریق میرساند بعلت گرانی روز افزون وسائل و مصارف چاپ و نشر مجله و کتاب ناگزیر در قیمت مجله واریق مختصر تغییری داده شده. مجله در جستجوی امکانات و راه‌حلهائی است که مشکل خود را مستقیماً بخوانندگان تحمیل ننماید و باپیدا کردن ممرهای درآمد مانند آگهی بهای مجله را در همین سطح نگهدارد. واریق

واریق

مجله ماهانه فرهنگی، ادبی و هنری

(به زبانهای فارسی و ترکی آذری)

تحت نظر هیئت تحریریه

مدیر مسئول دکتر جواد هیئت

محل اداره: تهران، خیابان مصدق، کوچه بیدی شماره ۱۷

۶۴۵۱۱۷ } تلفن
۷۶۱۸۳۶ }

چاپ‌گاویان - میدان بهارستان

قیمت ۷۰ ریال